



کوردستان

ازگان کمیته مرکزی حزب دگرات کردستان ایران

شماره: ۹۸

مرداد ماه ۱۳۶۳ — اوت ۱۹۸۴

بها: ۵۰ ریال

در این شماره:

● زمستان میگذرد و روسیاهی
به دغا ل میماند.

● لاف و گزاف رژیم و (۳)

● جامعه نمونه (اسوه) (۲)

● یک خواست چندصدساله.

● اطلاعاتی های رسمی حزب.

پیام دبیرکل حزب بمناسبت

۲۵ مرداد

هم مهربان عزیز!

خلقهای شرافتمند ایران!

مردم مبارز کردستان!

از سوی کمیته مرکزی حزب

بقیه در صفحه ۴

نگاهی به وضع اقتصادی کشور

سودمداران جمهوری اسلامی
از هنگام بدست گرفتن قدرت با
مشکلات فراوانی روبرو گردیده اند. در
میان این دشواریها، مشکلات
اقتصادی بیش از همه گردانندگان
رژیم ولایت فقیهی را در تنگنا قرار
دادهاست. ماهیت ارتجاعی
جمهوری اسلامی که حکام آن قصد دارند
اصول نظامهای استبدادی، فئودالی
و حتی بر دگی را پیاده نمایند، با
روابط اجتماعی و اقتصادی موجود
در کشور ما در تضاد است.

بقیه در صفحه ۲

بقیه: : نگاهی به وضع اقتصادی کشور...

آخوندهای حاکم در وهله اول چنین وانمود کردند که به مسائل اقتصادی توجه ندارند. خمینی اقتصاد را مال حیوانات دانست بخیال اینکه بشیوه روضه خوانها میتوان در منبر حرف بدون مسئولیتی بزند و چون به خلوت رفت طور دیگر رفتار کند. لیکن قوانین اقتصادی شوخی برادر نیستند. اقتصاد کشور را نمی توان با کلمات قصار اداره نمود و بالاتر از این اقتصاد از هم پاشیده کشوری که در آن انقلابی خونین روی داده است با شعارهای بی محتوا نمی توان بهبود بخشید.

خمینی دستور داد بانکهها بهره را لغو کنند. لازم نیست کسی اقتصاددان باشد تا بداند که بانک در اصل از تفاوت بهرهای که میرد از دریافت می کند اداره میشود. بالاخره مانند همیشه آخوندها به محیله شرعی متوسل شدند و چهار درصد برای بانک بهره تعیین کردند با این فرق که اسم آنرا مخارج بانک گذاشتند.

طی چند سال گذشته مثالهای زیادی از این قبیل در امور اقتصادی به چشم میخورد که بیانگر تضاد نظرات ارتجاعی آخوندها با واقعیات کشور است. بالاخره علیرغم تبلیغات گسترده رسانههای گروهی در مورد پشتیبانی رژیم خمینی از مستضعفان و هیاهوی تورهایا در باره ماهیت مردمی جمهوری اسلامی، پس از اینکه رژیم از سرکوب هم پیمانان سابق خود فارغ شد، علناً وبدون چون و چرا راه رشد سرمایه داری را ادامه داد و تمام قوانین نیم بندی را که برای فریب زحمت کشان تصویب کرده بود، بوسیله شورای نگهبان لغو و بی اثر نمود. منتظری بصراحت میگوید که پولدار شدن در جمهوری اسلامی آزاد است چرا که پولدارها میتوانند به مستمندان کمک نمایند!

یکی از علل اساسی گرایش آشکار رژیم خمینی در ماههای اخیر به همکاری با کشورهای سرمایه داری در زمینه های اقتصادی و سیاسی و نظامی، رشد مجدد سرمایه داری در داخل کشور پس از يك رکود چند ماهه بعد از



انقلاب بود که اکنون بطور منطقی در مناسبات خارجی بازتاب یافته است. همین گسرایش بنوبه‌ی خود رشد سرمایه‌داری در داخل کشور را سرعت می‌بخشد. از سوی دیگر تردیدی نیست که سرمایه‌داری در آینده بسبب آنچنان روبنای سیاسی نیاز خواهد داشت که به هیچ وجه با نظام قرون وسطایی آخوندی سازگار نیست.

این رشد قبل از همه سرمایه تجارنی و پولی را شامل می‌گردد و همین جهت رشدی است ناسالیم و طفیلی. همراه با مشکلات اقتصادی بسیار که نظام ولایت فقیهی ازحل آنها عاجز است، رکود تولید صنعتی، کاهش بی سابقه‌ی تولید کشاورزی، تقلیل صادرات غیر نفتی، افزایش واردات و وابستگی اقتصادی به خارج، بیکاری، گرانی و تورم، اقتصاد ایران را تهدید می‌کنند. رژیم آخوندی برنامه‌ای برای رفع مشکلات اقتصادی ندارد. جنگ، هم جنگ با عراق و هم جنگ در کوردستان، مزید بر علت شده و بود شواریهای اقتصادی افزوده است.

جمهوری اسلامی ناگزیر است بخش مهمی از درآمد ارزی بدست آمدن از صدور نفت را صرف خرید وسایل جنگی از قبیل اسلحه، مهمات و وسایل پزشکی کند. ظم مهم دیگر واردات را موار غذایی تشکیل می‌دهد و از این رونه تنها برای خرید کالاهای سرمایه‌ای، کارخانه‌ها و وسایل تولید چیزی باقی نمی‌ماند، بلکه برای خرید وسایل پزشکی، ماشینهای صنعتی و کشاورزی و مواد خام برای بسیاری از کارخانه‌ها ارز کافی وجود ندارد. بدین ترتیب درآمد ارزی کشور تنها وقف خرید کالاهای مصرفی (جنگی و غیر جنگی) میشود و در نتیجه تولید صنعتی و کشاورزی کشور اگر کاهش نیابد افزایش هم نشان نمی‌دهد. مخارج جنگ تنها به خرید وسایل جنگی منحصر نمی‌گردد. مخارج ریالی جنگ در داخل کشور نیز کم‌رنگ نیست. آخوندها آسانترین راه تأمین مخارج ریالی جنگ را پیدا کرده‌اند و آن چاپ اسکناس است. البته بخاطر حفظ ظواهر قانونی نام آنرا دریافت وام از بانک مرکزی گذاشته‌اند.

بقیه: پیام دبیرکل بمناسبت ۲۵ مرداد

د مکررات کردستان ایران، بمناسبت سی و نهمین سال تأسیس حزب محبوبان، از صمیم قلب به شما تبریک میگویم و سلامتی و شادکامی و پیروزی تان را آرزو مندم.

بر تاریخ پرفرازونشیب حزب ما سال دیگری افزوده گردید؛ مبارزه خونین مردم کردستان سال دیگری ادامه یافت و، حزب د مکررات، حزب همه خلق کرد بویژه کارگران، دهقانان و روشنفکران، سال دیگری صدها حماسه آفرید، و صدها فرزند گرانقدر و خردمند را در راه آزادی کردستان و سواحل ایران خدا نمود.

از همین روز ضروری است که در روز جشن ۲۵ مرداد به خاطره شهیدان، این فرزندان نستوه خلق که جان پاک باختند تا خلق کرد و همه خلقهای ایران در آیند و آزار، شادکام و سعادت مند زندگی کنند، درود بفرستیم.

پنج سال پیش را بیاد بیاوریم،

آن روز بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۵۸ را که در آن خمینی علیه همه مردم کردستان اعلان جهاد داد و یک جنگ سراسری در کردستان بسراه انداخته در یک جنگ سه ماهه، لشکریان رژیم خمینی در کردستان دچار شکست گشتند و خمینی ناچار شد عقب نشینی نماید. لیکن مقامات ضد خلقی رژیم در صدد آنها خود خمینی پس از شش ماه متارکه جنگ گسترده دیگری را بر مردم کردستان تحمیل کردند که تا به امروز همچنان ادامه دارد.

پس از پنج سال جنگ، رژیم جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته است مقاومت قهرمانانه زحمتکشان کردستان را درهم بشکند. پس از پنج سال، بر خلاف ادعاهای مقامات رژیم، جنگ در سواحل کردستان کماکان در جریان است و صدای تفنگ پیشمرگان از دورترین مناطق جنوب کردستان تا شمال طنین انداز است. در بهار امسال، دشمن واپسگرا یورش نظامی گستردهای در مرکز کردستان آغاز کرد. سپس در جنوب



جنش خلق با بحساب می آید .
 دشمن اکنون ، از سابق
 نیروی کفتری در اختیار دارد
 و لشکریان را از نظر روحیه ضعیف تر
 گشته ، از جنگ خسته شده و
 می توانیم بگوئیم که از نفس افتاده اند
 دشمن به این دلخوش گشته
 است که بیش از دوهزار پایگاه
 در کردستان دایر کرده است . لیکن
 آیا این خود نشانه ترس و ضعف
 دشمن نیست ؟ دشمن دلخوش
 کرده است که توانسته است چند صد
 نفر جاش خود فروش را علیه مردم
 کردستان مسلح نماید ، لیکن در مدت
 چند سال گذشته که تعداد این
 جاشها چند برابر تعداد فعلی
 بود چه کاری توانستند انجام دهند
 که امروز بتوانند ؟ بویژه که در حال
 حاضر روحیه هم باختنا و سازشکار
 آنان روزگازسته می شود . همچنین
 دشمن باین دلخوش است که چند
 نفر خسته و وامانده خود را تسلیم وی
 کرده اند . لیکن در حقیقت بجای هر
 کدام از آنها که سنگر شرف خالصی

و شمال کردستان هم با نیروی
 فراوانی بپوش به ضابطی آزاد شده
 و پایگاههای حزبی و محلهای استقرار
 پیشرگان را تکرار نمود و همانند جالهای
 پیشین تبلیغات کاذب و ویرانگرانه ای
 برای انداختن کنگوی همه کردستان را
 پاکسازی کرده و گویا در سراسر
 کردستان حاکمیت یافته است .
 دیری نماند که معلوم شد
 هم در جنوب و هم در مرکز و هم
 در شمال کردستان ، پس از دادن تلفات
 بسیار ، تنها توانسته است در چند
 نقطه مستقر گردد . لیکن پیشرگان
 در سراسر کردستان در حال گشت
 و داشتند و هر وقت اراده کنند و
 مناسب تشخیص بدهند حمله
 در داخل شهرهای کردستان هم
 به دشمن ضربه می زنند .

در جریان این پورشه ها
 شهرهای کاری بر لشکریان خمینی
 وارد آمد . مقاومت قهرمانانه
 پیشرگان حزب در جنوب و شمال
 و همچنین در جنگهای بزرگ اطراف
 مهاباد و منطقه سردشت براستی
 مابه افتخارند و برگ زرینی در تاریخ

زمستان میگذرد و روسیاهی به ذغال میماند

از همان روزی که حزب دمکرات
کردستان ایران، بمثابة يك نیروی
مبارزو مدافع راستین آرمانها و منافع
توده های مردم کردستان پا به عرصه
وجود گذاشت (۲۵ مرداد ۱۳۲۴)،
امپریالیزم و ارتجاع برای تضعیف و
نابود کردن آن همواره در تلاش بودند.
ارتجاع حاکم بر ایران که نفوذ
و محبوبیت حزب را بعنوان خطری علیه
سلطه ضد خلقی خود تشخیص
داده است، همیشه سعی کرده
است بر سر راه فعالیت، گسترش
و شکوفایی آن سنگ اندازی نماید و
برای دستیابی به چنین هدفی
رنج بسیار کشیده و خود را به هر
آب و آتشی زده است.
امپریالیزم و ارتجاع، بعنوان
دو دشمن قسم خورده حزب دمکرات
کردستان ایران بارها آشکارا به

معارضه علیه نفوذ آن برخاسته و با
توسل به زور و جبر و کشت و کشتار با
آن مقابله کرده اند. هجوم گسترده
رژیم منحوس پهلوی بر حزب دمکرات
کردستان ایران در سالهای ۲۵، ۲۶،
۳۲، ۳۸، ۴۳، ۴۶، ۴۷ و
لشکرکشی رژیم ارتجاعی آخوندی
علیه خلق کرد و حزب محبوب آن در
طول بیش از پنج سال عمر نکبتبار
این رژیم نشانه های بارزی از چنین
ضدیت و خصومتی است.
لیکن در پارامی از موارد دشمن
به طور غیر مستقیم نیز حزب مارا مورد
تساجم قرار داده است. از قدیم
وندیم گفتند: " ساقه درخت،
ریشه درخت را در می آورد." دشمن از
این فلسفه استفاده کرده و عدای
از افراد منحرف، ترسو و وامانده را که
مدتی در صف افراد حزبی قرار



داشتند و درهم جمع کرده و آنها را تحت عنوان گروه یارسته سیاسی!! وودیوی حزب قرار داده است. این قبیل افراد به پیروی از رهبردهایی که دشمن در اختیارشان گذاشته است برای خلق کرد و منافع آن اشک تسامح بختاند و از حزب دمکرات بعنوان حزبی منحرف از شاهرامیسارده ملی و طبقاتی اسم بردماند.

به این واقعیت نیز باید اعترا ف نمود که هرچند دشمن در اکثر موارد از حزب، سازمان و گروه های بی آبروی مخلوق دست خور علیه حزب دمکرات استفاده کرده است، لیکن مواردی پیش آمده است که یک حزب و یا یک سازمان اصیل سیاسی رانیز به دام انداخته، و برای مدنی ازوی علیه حزب دمکرات استفاده نموده و از طریق آن برضد حزب ما تبلیغ کرده است. البته در این گونه موارد رژیم همواره طوری عمل کرده است که هرگز نگذاشته چنین حزب سازمانی به واقعیت امر پی برد و یا توجه شود که چگونه به انحراف کشاند. ده است و آب به آسیاب چه کمائی

میریزد. در این رهگذر دشمنان حزب از بدام افتادن هر حزب و سازمانی، چه کوردستانی یا غیر کوردستانی، چه ایرانی یا غیرایرانی، باخوشنودی و رضایت هرچه پیشتر، استفاده های لازم را کرده اند. باخوشوقتی تمام باید گفت که اکثر این قبیل سازمان های سیاسی که بدلیل تحلیل های غلط خود تا مدتی با حزب دمکرات از در دشمنی برآمده اند، سرانجام متوجه انحرافی بودن موضع گیری خود شده و نسبت به تصحیح آن اقدام کرده اند. لیکن نباید فراموش کرد که در ریارهای از موارد این قبیل اشتباهات سیاسی برای جنبش آزاد یخواهانه خلق کرد و مردم ایران و بطور کلی برای جنبش رهایشی بخش مردم میهنمان بسیار گسوان تمام شده است.

اگر بخواهیم کلیه توطئه های امپریالیزم و ارتجاع علیه حزب دمکرات کوردستان ایران طی مدت ۳۹ سال عمر حزب را به طور



لاف و کزاف رژیم و وضع کردستان (۳)

تجربیات تاریخی نشان می‌دهند که برای پیروزی جنبش‌های حقوق‌طلبانه خلق‌های زیر ستم، سه شرط اساسی لازم است:

۱- نخستین شرط «از همه» شرط‌های دیگر مهم‌تر، آمارگی توده‌های مردم برای مبارزه در جهت تحقق اهداف جنبش است. یعنی اکثریت توده مردم بایستی هدف‌های جنبش را درک کرده و آنها را واقعاً «هدف‌های خود بدانند». بدیهی است این امر وقتی تحقق پذیر است که هدف‌های جنبش با توجه به خواست‌های مادی و معنوی توده‌های مردم تعیین شده باشند؛ امیدها و آرزوهای آنان را درخور بگنجانند و شعارتندی عمومی و آینده‌های روشن‌تر و پیشرفته‌تر و بدون استثمار رانوید بدهند.

شعارهائی که از روی هدف‌ها

تعیین می‌گردند بایستی با خواست قلبی توده‌های زحمتکش و استعمارشده، و احساسات ملی و میهنی مردم مطابقت داشته باشند. شعارها در عین حال که راهنمای توده‌های مردمند و بهمین جهت در پیش‌روی توده‌ها قرار گرفته آنان را بسوی خود می‌خوانند، نباید آنچنان خیال‌آفرینی، دور از واقعیات جامعه و امکانات پیش‌روی آن باشند که موجب ایجاد یک فضای خالی بین توده‌ها و جنبش گردند. زیرا که این خلاف می‌تواند بصورت بهترین پناهگاه برای دشمن جنبش درآید که ابتدا بسوی آنجا نفوذ میکند، سپس از یکسوی در پیشاپیش توده‌ها قرار گرفته از سرعت آنان در پیشروی بدنبال جنبش می‌کاهد و از سوی دیگر بر صفوف مقدم جنبش فشار می‌آورد که سریع‌تر و تندتر حرکت کند و بدین ترتیب ارتباط و امکان ارتباط



توده‌ها را با جنبش بکلی قطع می‌گرداند. دشمن جنبش هنگامیکه خسور را در فضای خالی بین توده‌ها و جنبش قرار داد: بعنوان توده مردم رهبری جنبش را مورد حمله قرار می‌دهد و بعنوان رهبری جنبش به توده‌ها می‌تازد. یمنی هنگامیکه بدرون توده‌ها می‌رود جنبش را بخاطر شعارهایش مورد انتقاد و طعنه قرار می‌دهد و هنگامیکه بدرون صفوف جنبش رخنه می‌کند توده‌ها را به عقب افتادگی، محافظه‌کاری، ناآگاهی و مخالفت با جنبش متهم می‌کند و بدین ترتیب خلا بین توده و جنبش را به کانون ایجاد سوءظن و بی‌اعتمادی بین دو قطب تبدیل می‌سازد.

بی‌مناسبت نمیدانیم برای نشان دادن اهمیت این مسأله و برای استفاده از تجربیات یک جنبش مترقی و موفق نظیر جنبش خلق ویتنام که موجب پیروزی انقلاب در ویتنام گردید و نظرانی از رهبران بزرگ این جنبش را به عنوان نمونه در اینجا نقل کنیم:

"جی‌اپ" میگوید: "ما بدین علت توانستیم در برابر استعمار نو مقاومت کنیم که مبارزه ما انعکاسی از قوانین

عینی تکامل جامعه کنونی ویتنام و نشاندهنده مصالح اساسی و خواسته‌های عمیق و روشن طبقه کارگر و خلق استعمارشده ویتنام بطور عموم است."

"عوشی‌مین" رهبر محبوب و شایسته خلق ویتنام میگوید: "یکی از علت‌های پیروزی حزب و انقلاب ما، ارتباط عمیقی است که با توده‌های مردم داریم. حزب ما با این پیوند محکم که با توده‌ها دارد بصورت کانون نیرومندی جهت مبارزه متحد همه خلایق ویتنام درآمده است."

"لودوان" دبیرکل حزب کارگران ویتنام نظرات خود را بدینصورت بیان میکند: "هر نیروی که قصد بدست گرفتن قدرت در کشور را دارد و میخواهد رهبری یک ملت را بعهده گیرد، هیچ راهی در پیش ندارد جز آنکه برای تحقق خواسته‌های دمکراتیک و مشخص مردم مبارزه کند. این چنین نیرویی است که میتواند پیروزی جنبش ملی را تضمین کند. سپس در دنبال سخنان خود میافزاید: "هنگامیکه استعمار



جامعه نمونه (اسوه) ولایت فقیه

(۲)

در شماره قبل روزنامه "کوردستان" از سراب جامعه نمونه ولایت فقیه در جمهوری اسلامی با ورود در دین از مقدمه قانون اساسی آن بحثی کوتاه بنظر خوانندگان رسید. در این مقال نیز به برخی از رویه های نویسندگان با توجه بآنکه شیوه نگارش قانون اساسی غیر دقیق، آخوندی، ناآگاهانه، ملو از تناقض گویی و پراکنده گویی است اشاره ای خواهیم داشت.

سرآغاز قانون اساسی ج. ا. پس از آوردن مقدمه ای، مطالب پراکنده و بی ارتباط بهم با "واژه" جمهوری اسلامی که در مفاهیم حقوقی اسلام واژه ای ناآشنا و بیگانه است گشوده میشود. بیگانه از اینجهت که مسبقاً به سابقه هزار و چند صد ساله اسلامی نبوده در طول مدت ۱۱ قرن غیبت

امام زمان "نیز در مذهب اهل تشیع به مخیله مجتهدان و فقهای آن مذهب خطور نکرده است. اصل قانون اساسی میگوید:

"حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد در پیریندیش به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب پیروزمند خود برهبری مرجع عالیقدر آیت الله العظمی امام خمینی در هم میرسد... به آن رأی مثبت دارد."

براساس اصل امامت که از ارکان دین و پایه اسلام در مذهب اهل تشیع است همه فرق امامیه در آن همراهی اند. امامت از مصالح عامه ای نیست که بنظر امامت واگذار شود. این منصب رکن دین و پایه اسلام است و برای پیامبر اغفال از آن و یا تفویض آن به امت روانیست



غیر مستقیم مدت موقت و محدود که قابل توارث نیست انتخاب می کنند که این سیستم بار یگنائوری عربان ولی فقیه که خود قدرت را مشروط به قوانین و احکام اسلام میسازند و هم او است که آنرا تفسیر و شرح میکند در تضاد آشکار است. در رژیم جمهوری پارلمانی قدرت رئیس جمهور مشروط به آرا مردم و تنفیذ اعمال اجرائی وی در مجلس است لیکن در رژیم ولایت فقیه منبع قدرت ولی فقیه، نمایندگی حاکمیت خدای یگنا و تشریع وی که آنرا به میل و مصلحت خویش تدبیر و تفسیر میکند میباشد. خمینی خود در کتاب ولایت

فقیه در بیان وجه افتراق حکومت اسلامی با حکومت های مشروطه و جمهوری میگوید:

"فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت های مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است. در اینکه نمایندگان مردم یا شاه در اینگونه رژیمها به قانونگذاری می پردازند در صورتیکه قدرت مقننه و اختیار تشریع در اسلام به خداوند متعال اختصاص

بلکه بروی واجبست امام معصوم را برای امت تعیین کند". و نیز "امامیه معتقدند که امامت پس از علی بغیر از ان فاطمه میرسد و بموجب نفس یکی پس از یگری امام میشود".

بنابراین بامتناد اصول اعتقادی امامیه که در فوق ذکر شد تأمین جمهوری اسلامی برقراری حاکمیت امام در پهنه جهان تلقی نمی شود بلکه این حکومت نیز ادامه همان حاکمیتی است که در طول ۱۱ قرن غیبت امام بنام حکومت ظلم مورد طعن و مخالفت علمای شیعه بود که سرمداران آنرا غاصب و عمال آنرا "عله" "ظلمه" نامیده اند.

ذکر واژه جمهوری همچنانکه نمی تواند در برگیرنده خواست و مفهوم امامت پیروان امامیه قرار گیرد با مفاهیم حقوق عرفی نیز همخوانی ندارد و هیچ وجه نمی تواند مصداق آن نوع حکومتی باشد که خمینی بنام ولایت فقیه در تلاش استقرار آنست. زیرا جمهوری در مفهوم حقوق اساسی به آن حکومتی اطلاق میشود که رئیس مسئول آن را مردم بطور مستقیم یا

اطلاعیه دفتر سیاسی :

درباره برگزاری پلنوم کمیته مرکزی

هم میهنان گرامی!

مردم مبارز کردستان!

اعضای هیئت اران حزب دمکرات کردستان

ایران!

پیشمرگان قهرمان!

دفتر سیاسی حزب دمکرات

کردستان ایران باکمال خوشوقتی و

سرفرازی بجاگاه میسراند کدر روزهای

پانزدهم تا ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۶۳

شمسی دومین نشست کمیته مرکزی،

منتخب کنگره ششم، برگزار گردید.

کمیته مرکزی در طول ده روز

جلسات خود مسائل مختلف سیاسی، نظامی،

اجتماعی و تشکیلاتی در رابطه با

شرایط کنونی مبارزه و فعالیت حزب

را مورد بحث و مذاکره قرار داد و درباره

هر یک از مسائل یاد شده تصمیمات

لازم اتخاذ نمود.

در آغاز این نشست، پیرامون اسلام

یک دقیقه سکوت به محرم روان پاک

شهیدان را آزادی خلقان، و پیش از

همه کاک شهد الله بهرامی، عضو

کمیته مرکزی، پلنوم، گزارش سیاسی

دفتر سیاسی، را که از سوی رفیق

دکتر عبد الرحمن قاسم لود بهرکل حزب

تقدیم شد استماع نمود.

در گزارش دفتر سیاسی تحلیل

دقیقی از اوضاع سیاسی منطقه

خاور میانه، و ویژه اوضاع ایران

و کردستان، ارائه شد. و نیز مشکلات

مربوط به جنبش انقلابی خلقان مورد

بررسی قرار گرفته و راه چاره آنها

را



در راستای سیاست کنگره ششم و همچنین وظایف اعضا و پیشروگان حزب خاطر نشان شده بود.

کمیته مرکزی بعد از دو روز بحث و گفتگوی کافی درباره محتوای گزارش دفتر سیاسی، ضمن تصویب آن به اتفاق آراء چاپ و انتشار بخش مهم و اساسی آنرا توصیه نمود.

آنگاه بعد از استماع گزارش مراکز آوان، "سهی سنگ"، "زاگری" و شنیدن گزارش کمیته سیاسی شهرستانهای وابسته به دفتر سیاسی، ضمن تاکید بر این واقعیت که بزرگترین سرمایه حزب دمکرات کردستان ایران پشتیبانی مادی و معنوی توده های مردم کردستان است، پلنوم از کلیه کادرها، اعضا و پیشروگان حزب خواستار شد که مانند گذشته برای هر چه مستحکم تر ساختن روابط موجود میان حزب و اقشار و طبقات دمکرات مردم کردستان، تلاش کنند.

با در نظر گرفتن یکی از شعارهای اساسی حزب:

پلنوم کمیته مرکزی بار دیگر ارزش و اهمیت تشکیلات را مورد تاکید قرار داد و از کمیون تشکیلات و کمیون پیشمرگه درخواست نمود که همکاری و همفکری یکدیگر بطور مستمر و رهنمودهای تشکیلاتی و نظامی در خور شرایط کنونی جنبش را در اختیار ارگانهای حزبی و نیروهای پیشمرگ قرار دهند.

بعلاوه، پلنوم، با یادآوری نقش مهم تبلیغات سیاسی، از مسئولان بخش تبلیغات خواست که بوسیله ارتقاء سطح تبلیغات از لحاظ شکل و محتوا، بویژه برای بهبود صدای رادیو و مرتب تر نمودن چاپ و پخش نشریات حزب همه توانائیهای خود را بکار گیرند.

بعد از مباحثات طولانی و مفید در مورد وضع پیشمرگان و تاکید بر اهمیت بالا بردن سطح کارایی نیروهای پیشمرگ و تعیین تاکتیک جدید جنگی علیه رژیم خمینی، کمیته مرکزی روز ۲۶ آذرماه را بمناسبت آوان



اطلاعیه دفتر سیاسی: بمناسبت بشهادت رسیدن کاک رحمان صوفی زاده

مسئول کمیته حزبی شهرستان "ربط"

هم میهنان گرامی!
مردم مبارز کردستان!
پیشرگان قهرمان حزب!

دفتر سیاسی حزب دمکرات
کردستان ایران، باناسف و نالسم
فراوان با اطلاع میرساند که در روز
بیست و ششم مرداد ماه رفیق شایسته
وفد اکار و مبارز حزبی مان کاک رحمان
صوفی زاده، مسئول کمیته حزبی
شهرستان ربط در یک نبرد قهرمانانه
با لشکریان رژیم واپسگرای خمینی
بهمراه یک کادر شایسته دیگر این
کمیته بنام کاک محمود فیضی در
ارتفاعات "جانداران" بشهادت رسیده
است.

کاک رحمان صوفی زاده در سال
۱۳۳۹ در یک خانواده زحمتکش

پیرانشهر متولد شد. پس از اخذ
دیپلم، حرفه مقدس آموزگاری پیشه کرد
و بعنوان یک آموزگار دلسوز و محبوب
شهرت یافت. کاک رحمان از آغاز
جنبش مسلحانه کردستان در سال
۱۳۵۸ اسلحه شرف بدست گرفت
و در جنگ سمابه آن سال چندین بار
با لشکریان ضد خلقی خمینی دست
و پنجه نرم کرد و شایستگی خستگی
را همچون یک فرمانده نظامی نشان
داد.

پس از جنگ سمابه، کاک رحمان
بعملات فعالیت و دلسوزی کم نظیر خود
مسئولیت سرپرستی اتحادیه جوانان
دمکرات شهرستان پیرانشهر را به عهده
گرفت و در سال ۱۳۶۰ به عضویت
رهبری عمومی اتحادیه سراسری جوانان

... که با او مردان را نشان است.



د مكرات كوردستان انتخاب گورد پيسد. در
سال ۱۳۶۱ به عضویت هیأت اجرایی
کمیته حزبی شهرستان پیرانشهر انتخاب
شد و در پست مسئولیت بخش تشکیلاتی
این کمیته شایستگی و کارایی فوق العاده می
از خود نشان داد.

كاك رحمن صوفي زاده هم
در ریز زحمتکشان شهرستان پیرانشهر
و هم در صفوف حزبی از محبوبیت
بی نظیری برخوردار بود. به همین جهت
در کنگره های پنجم و ششم حزب به
نماینده گی شهرستان پیرانشهر حضور
داشت و در کارهای ایند و کنگره بطور
فعال مشارکت نمود. پس از کنگره ششم
بعلیت شایستگی بعنوان مسئول کمیته
حزبی شهرستان ربط تعیین گردید
که با خستگی ناپذیری و فعالیت بی نظیر
خود توانست امور حزبی این کمیته را
بخوبی سازمان دهد.

كاك رحمن صوفي زاده در يك
خانواده انقلابی پرورش یافته بود.
پدرش نیز که پیشمرگ ساده نیروی
آوار بود در سال ۱۳۶۲ به شهادت رسید.
كاك رحمن در مدت چند سال گذشته

همه نیرو و توانایی خود را به ریخ در راه

مبارزه علیه رژیم خمینی و تأمین د مكراسی
برای ایران و خود مختاری برای كوردستان
صرف نمود. زندگی شخصی بهیچوجه
برای وی مفهومی نداشت؛ يك كسادر
نمونه و وفادار به مشی د مكراتيك
حزب بود و علیه منحرفان از خط حزب
پیوسته در نبردی بی امان بود.
روز بروز بر سطح آگاهی خود چهار راه
مطالعه تئوری علمی و مبارزه در میدان
عمل میافزود. او فرزند خلق بود و
هیچگاه در سخت ترین و دشوارترین
شرایط میدان مبارزه و همسران پیشمرگ
خود را تنها نمیگذاشتند در
فروردین ماه سال جاری در نبردی
با دشمن زخمی شد اما حاضر نشد
به بیمارستان حزب برود و از رفقای
پیشمرگش حتی برای چند روز جدا
شود.

باشهید شدن كاك رحمن
صوفي زاده، حزب ما كادری نمونه
و انقلابی، انسانی و اكارود لسموز،
مسئولی آگاه و كارآمد و پیشمرگ بی
دلا و قهرمان را از دست داد. حزب
ما فرزند برجسته د بگری را از دست داد تا
بقیه در صفحه ۱۶



قیه: اطلاعیه درباره بشهادت رسیدن...

پرچم مبارزه خلق همچنان برافراشته
بماند و قدم دیگری بسوی آزادی و
بختیاری برداشته شود.

دفتر سیاسی حزب دمکرات
کردستان، باین مناسبت به همه
اعضای حزب و پیشمرگان، به مردم
کردستان و ویژه مردم شهرستان
پیرانشهر و منطقه ربط و خانواده‌های
شهید رحمن صوفی زاده شهید
محمود فیضی، تسلیت می‌گوید
و اطمینان می‌دهد که درها و صدها
فرزند برومند انقلابی دیگر منظور
دفاع از آزادی و شرافت خلقمان
پایه میدان مبارزه خواهند نهاد و اجازه
نخواهند داد سنکراین شهیدان
هزیز ما خالی بماند.

جای آنستکه همه با هم
پیمان تازه کنیم که راه حزب دمکرات
حزب راهبر مبارزه خلقمان را تا به
آخر، یعنی تا رسیدن به آرمانهای
مقدس که شهید رحمن صوفی زاده مجاهد
خود را در راه تحقق آنها فدا نمود
بی هیچگونه تزلزل پیمائیم.

خون هزاران شهید حزب ما
گفتم رحمن صوفی زاده کاروان طویل
آنان را طویل تر خواهد کرد نباید
بهدر برود. رژیم خو خوار خمینی
که خون جوانان انقلابی و گرانقدری
چون رحمن صوفی زاده را بر زمین می‌ریزد
باید سرنگون شود و خلقهای ایران
از دست این رژیم پرادبار
باید رهائی یابند. وجود مبارزانی
چون رحمن صوفی زاده در صفوف
حزبان ضامن آنستکه مبارزه ما
هر چند هم سخت باشد و هر چند
هم با مشکلات و دشواریها مواجه
گردد باز همه پیروزی برسانند و
خود مختاری برای کردستان و
دمکراسی برای ایران به تحقق برسد.

* درود بر روان پاک محبوب حزب و خلق
شهید "رحمن صوفی زاده" و همه شهیدان
راه آزادی و کسورستان و سراسر ایران!
* سرنگون باد رژیم خونخوار و
واپسگرای خمینی!

* پیسر و زیاده مبارزه مشترک خلقهای
ایران برای استقرار یک رژیم دمکراتیک!
حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی - ۱۳۶۳/۵/۲۱



پلنوم دوم کمیته مرکزی را یکی از بزرگترین پیروزیهای حزب می دانند و صمیمانه امیدوار است که پلنوم کمیته مرکزی بر هرچه بالاتر رفتن جلوگیری کار و فعالیت سیاسی، نظامی، تشکیلاتی و اجتماعی حزبمان تأثیر بسزایی داشته باشد و راه را برای پیروزیهای بیشتر و دستاوردهای مهم تر هموار سازد.

- ✱ پیروزی بار مبارزه متحد و یکپارچه
- ✱ خلقمان در راه دستیابی به د مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان!
- ✱ مرگ بر امپریالیزم و ارتجاع!
- ✱ سرنگون باد رژیم ضد خلقی خمینی!
- حزب د مکررات کردستان ایران
- د فترسیاسی - ۱۳۶۴ / ۶ / ۳

بقیه: اطلاعیه دفتر سیاسی درباره پلنوم باشد که در آن هر سال تودمهای خلق کرد مراتب حقیقتناشی و سپاسگزاری خود را نسبت به پیشمرگان ابسراز دارند و قد آکاری، قهرمانی و جانبازی فرزندان پیشمرگ خود را ارج گزاردند.

پس از د روز بحث و مذاکره درباره مسائل مهم مرحله کنونی مبارزه خلقمان و نیز در مورد همکاری با نیروهای د مکررات و انقلابی ایرانی و کردستانی و بعد از تصویب چند قطعنامه درباره مسائل سیاسی تشکیلاتی و نظامی د بگز پلنوم به کار خود خانه داد و اعضا کمیته مرکزی، که از شمال، مرکز و جنوب کردستان برای شرکت د پلنوم آمده بودند، با عشق و علاقه بکار و فعالیت و با ایمانی استوار به پیروزی، مجدداً د همسپار محمل مأموریت خود شدند.

د شرایط کنونی، که دشمن ضد خلقی تمامی مناطق کردستان را آماج وحشیانهترین یورشهای خود قرار داده است، د فترسیاسی حزب د مکررات کردستان ایران د دستاوردهای

بقیه: لاف و گزاف رژیم...

آری جنبش کردستان از یک ترهبری شایسته برخوردار است که آنهم حزب د مکررات کردستان است و این چیزی است که د میدان عمل نشان داد و ما ستد افق مبارزه هم روشن است و پیروزی حتمی را چون روز روشن نوید میدهد.

فراخوانی از افکار عمومی کردستان و ایران و سراسر جهان

بر سر مردم بید فاع خالی کند و انتقام خود
را بجای پیشمرگان از زنان و کودکان و
سالندان کرد بگیرد .

طبق اخباری که از "آلان و گورک"
و "سویسنایه تی" از توابع شهرستان
سردهشت در استان آذربایجان غربی
رسیده است رژیم خیمینی در صدد است
ساکنان چهار روستای بزرگ این
بخشها را با ۲۳۴ خانوار و ۱۵۰۱ نفر
جمعیت به اجبار به نقاطی که هنوز
بر ساکنان این روستاها معلوم نشده است
منتقل نماید .

از سوی دیگر رژیم ضد خلقی
آخوندی به مردم ۱۲ روستای
بخشهای "سویسنایه تی" و "آلان" سردهشت
اخطار کرده است که تا فرارسیدن فصل
پاییز، روستاهای خود را بکلی تخلیه
بقیه در صفحه ۱۹

مردم مبارز کردستان !
هم میهنان گرامسی !
خلقهای آزاد یغواه جهان !
سازمانهای بشر دوست !

رژیم واپسگرای خیمینی، این
بختکی که پنج سال ونیم است بر سینه مردم
ایران نشسته و پنج سال است
کردستان قهرمان را در اشک و خون غرقه
کرده است، در صدد انجام جناحیت
هولناک دیگری نسبت به مردم حق طلب
کردستان برآمده است.

حکومت جهل و تاریکی که پس از
پنج سال درندگی و کشتار وحشیانه
نتوانست مقاومت قهرمانان را
پیشمرگان و اراده استوار توده های
مردم کردستان را درهم بشکند و آنان
را از خواستهای برحقشان منصرف نماید،
اکنون میخواهد کینه ارتجاعی خود را



نمایند و به هزینه خود به نقاط دیگری کوچ کنند. در این ۶۲ روستا هم که رژیم میخواهد بزور تخلیه نمایند ۱۳۲۹ خانوار با ۸۰۵۱ نفرزندگی میکنند.

بدین ترتیب حکومت با اصطلاح اسلامی خمینی در سرمای پاییز و فصل برداشت محصول سالانه ۶۶ روستای کردستان را با ۱۵۶۳ خانوار و ۹۵۵۲ نفر جمعیت مجبور میکند بدون آنکه محل مشخصی برایشان تعیین گشته، طریقی برای زندگی ومرار معاش آنان پیشنهاد شود و زیان و خساراتشان جبران گردد و خانهها، مزارع، احشام و بطور کلی همه شروت و دارایی خود را بر جای بگذارند و با گرسنگی و فقر و سرداری آواره مناطق دیگر گردند.

حزب دمکرات کردستان ایران در عین حال که این تصمیم ضد انسانی مقامات رژیم را به شدت محکوم مینماید و آنرا نشانه ضعف و زبونی رژیم میدانند، از مردم این روستاها خواستار است که همانگونه که در پنج سال گذشته در برابر خواستهای پلید رژیم ایستادگی کرده اند، در برابر این نقشه

شیطانی هم مقاومت کنند و تسلیم نشوند. تهدیدها و فشارهای مزدوران حکومت آخوندی نشوند.

حزب دمکرات کردستان در همان حال از همه مردم کردستان و خلقهای سراسر ایران دعوت میکند که با اعتراضات و تظاهرات و ارسال نامه ها و داشت اعتراض و بطور کلی هر شیوه دیگری که مناسب می دانند فریاد خشم و یزاری خود را از این اقدام ضد خلقی سر دهند و مقامات رژیم خمینی را ناچار کنند که از اجرای این نقشه دست بردارند.

حزب ما همچنین از سازمانهای بشر دوست و جمعیت ها و مجامع بین المللی و خلقهای آزاد یخواه و افکار عمومی جهان انتظار دارد که صدای اعتراض خود را نسبت باین اقدام غیر انسانی بلند کنند و با فرستادن یادداشت و تلگرام نامه اعتراض و هر طریق ممکن از مقامات ایران بخواهند که دست از این مردم ستمدیده و زجر کشیده بردارند و از رد کردن و تبعید آنان منصرف شوند. بسیار بجا است که تمامی اعتراضها در هم آمیزند و همه نیروها جمع گردند تا بقیه صفحه ۴۳



بانک مرکزی اسکناس چاپ می کند و آنرا بعنوان وام در اختیار دولت میگذارد. واضح است که این اسکناس پشتوانه ندارد و در واقع در شرایط فعلی کشور ما عامل اصلی رشد تورم است، هرچند که برخی از آخوندهای "مخصص اقتصاد" سعی دارند، تاثیر جنگ را در تورم ناچیز نشان دهند چرا که ادامه جنگ را برای حفظ حاکمیت خود ضروری میدانند و کوشش دارند جنگ را منشاء همه بدبختی ها قلمداد نکنند تا حسن صلح طلبی در توده های مردم تقویت نشود.

آمار دقیق افزایش نقدینگی در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ در دست نیست. لیکن با توجه به روند قبلی و با در نظر گرفتن آهنگ رشد نقدینگی در سالهای ۱۳۵۸-۱۳۶۱ میتوان پیش بینی کرد که در سال ۱۳۶۳ حجم نقدینگی بیش از چهار برابر سال ۱۳۵۸ خواهد بود و از رقم ۱۰ هزار میلیارد ریال خواهد گذشت. مطابق آمار رسمی در سال

برابر افزایش نامحدود است. واضح است که این آمارگیری از روی قیمت های کوبنی تنظیم شده در حالیکه هم اکنون بسیاری از کالاها در بازار آزاد (بازار سیاه) بصورت قاچاق بفروش میرسد. اگر قیمت های سرسام آور بازار سیاه را کارکنان در همین بازار آزاد نیز قیمت های چندین برابر قیمت های کوبنی است. رشد سریع تورم بی آمده های واقعی برای اقتصاد کشور دارد. نخست آنکه موجب کاهش سطح زندگی زحمتکشان بطور کلی میگردد. وجود میلیونها بیکار و خفقان شدید به سرمایه داری امکان میدهد استثمار کارگران را تشدید نماید. از ادامه جنگ هم بظهور بهره کشی بیشتر از کارگران استفاده میشود و همه خواسته های اقتصادی و اجتماعی آنان بخاطر اولویت دادن به جنگ رد میگردد. دوم آنکه حقوق کارگران و کارمندان در پنج سال گذشته اگر کاهش نیافته باشد افزایش نشان نمیدهد. این دو گروه، کارگران



چند میلیونی بیکاران میبوند که مصرفکننده است یعنی تورم زاست ولی هیچگونه کار تولیدی انجام نمی دهد.

در بیان بازرگانی جمهوری اسلامی وضع نابسامان اقتصادی کاملاً به نمایش گذاشته میشود. ارزش واردات سال ۱۳۶۲ نسبت به سال ۱۳۵۸ $2/3$ برابر وزن واردات $1/8$ برابر افزایش داشته است. در حالیکه ارزش صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۶۲ نسبت به سال ۱۳۵۸ $1/3$ برابر و وزن صادرات غیر نفتی $3/5$ برابر تقییل یافته است. اگر وزن صادرات غیر نفتی بود در سال ۱۳۶۲ به $10/1$ برابر رسیده است. یعنی رژیم خمینی در سال ۱۳۶۲ در مقابل هر تن صادرات غیر نفتی صد و یک تن واردات داشته است. اگر یادآوری کنیم که اغلب مواد وارداتی را کالاهای مصرفی تشکیل میدهد (جنگی و غیر جنگی) آنگاه وقاحت بی نظیر گردانندگان جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲۲

وکارمندان بیش از همه از رشد تورم زیان دیده اند. لیکن پائین آوردن سطح زندگی به منظور کاهش مصرف یکی از گرایشهای سیاست اقتصادی حاکمیت آخوندی است که توأم با صدور هر چه بیشتر نفت و چاپ بدون پشتوانه اسکناس پایه های اساسی سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد. افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم نیز جزئی از همین سیاست است. سوم آنکه اگر کاهش تولید در نتیجه افزایش بیکاری، رشد تورم باشد می بخشد، خود تورم بویژه اگر علت اصلی آن جنگ باشد (نمونه اقتصاد سریع و ناموزون) متقابلاً در از یاد ارتش بیکاران موثر است. گرانی کالاهای سرمایه ای، مخصوصاً کالاهائیکه از خارج وارد میشوند و کمبود ارز، هیچکدام سرمایه گذاری در بخش خصوصی را تشویق نمی کند و در نتیجه نیروی کار جدیدی که هر سال وارد بازار کار میشود و سایر ورود روستائیان به شهرها بر تعدادشان افزوده میگردد، باعث



بقیه: پیام دبیرک بمناسبت ۲۵ مرداد

گرماند رها جوان دلاور و
خونگرم دیگر به صفوف حزب
و پیشمرگان پیوستهاند.

دشمن بیپوده باین چیزها
دلفوش می دارد. با افتخار
می توانم اعلام کنم که نیروی پیشمرگ
از نظر تعداد نفرات نه تنها
کاهش نیافته بلکه افزونتر هم شده
است. از این هم مهمتر اکنون
وضع پیشمرگان از نظر کیفیت بسیار
بتر است؛ تجربه جنگشان بیشتر
شده؛ انضباط و پیچیدگی آنان
بهبود یافته؛ روحیه شان قویتر
گشته و بسیاری از پیشمرگان جوان
دورهای سیاسی - نظامی را به
پایان رسانده اند. نیروی پیشمرگ
از نظر اسلحه و مهمات نیز
مجهزتر و ایمانش به پیروزی از هر
زمان دیگر بیشتر است.

اینکه عدای از اشخاص خسته
و وامانده و جبون، صفوف حزب
و پیشمرگان را ترک گویند بسیار
جنبش است. همچنین اگر اشخاص

منحرف و زوفا سد اخلاق از حزب
اخراج کردند باز هم منفع میارزد؛ ما است
بدین ترتیب صفوف حزب ما محکم تر و
متحدتر خواهد شد و حزب بهتر قادر
خواهد بود جنبش ملی - دموکراتیک
مردم کردستان را بسوی پیروزی
رهمن گردان.

همپیمان عزیز!

رژیم خمینی اکنون از هر موقع
دیگری ضعیف تر و کم قدرت تر است
اینکه پس از چندین پورش در کردستان
نتوانست است به مقصود خود برسد و
اینکه بیشتر از شش ماه است تهدید
میکند حمله سرنوشت ساز خود به
عراق را آغاز خواهد کرد ولی هنوز
به هیچ اقدامی در این باره دست
نزدده است؛ نشانه ضعف و زواری
او است. سیاست جنگ طلبی رژیم
خمینی به بن بست کامل رسیده؛
روحیه سپاهیان بسیار پایین آمده
و از نظر اسلحه سنگین و مسدود
بویژه در نیروی هوایی و زمینی
بشدت در مضیقه است.
وضع اقتصادی کشور نیز در حد



اعلای آشتی است. در چند ماه گذشته نفت بسیار کمتر از سال گذشته صادر شده است. از این رو، درآمد دولت که کم بود کمتر شده و کشور بودجه سر به میلیاردها تومان زده است. بیکاری و تورم و گرانی پدیدار می‌گردد و سطح زندگی زحمتکشان روز بروز بیشتر پایین می‌آید.

طبیعی است که وضع ناهامان و آشفته کشور در بین مقامات رژیم انعکاس می‌یابد و تضاد و اختلاف بین آخوندهای حاکم را تشدید می‌کند. هرچند بنظر می‌رسد که منتظری برای جانشینی خمینی تعیین شده باشد لیکن اختلاف و جدال بر سر جانشینی خمینی همچنان ادامه دارد. تضادهای درونی رژیم روز بروز بیشتر هویدا می‌گردند. رژیم امیدوار بود که پس از باصلاح انتخابات مجلس شورای اسلامی، این مجلس متحد و یکپارچه باشد. اما اکنون مجلس در مقابل دولت ایستاده و به دنبال انتقاد شدید چند وزیر پیشهاد شده از سوی نخست وزیر را رد کرده است. به همین جهت

است که مطبوعات رژیم نظیر روزنامه جمهوری اسلامی آشکارا نمایندگان مجلس آخوندی را تهدید می‌کنند. از سوی دیگر تضاد بین ارتش و سپاه پاسداران نیز شدیدتر شده است. نمود مهم و بسیار نساز اینست که اکنون شخص خمینی هم از حل این اختلاف‌ها و تضادها عاجز است.

همانطور که در گزارش کمیته مرکزی به کنگره ششم آمده است، همه این تضادها نشانه بحران عمیق رژیم خمینی هستند که کمالات می‌کند توانایی حاکمیت و اداره امور کشور را از دست داده است.

در سطح جهانی نیز، رژیم خمینی به کلی مغرور و منزوی گشته است. از همین رو به هواپیمارانی و مین گذاری در کانال سوئز و بسیاری اعمال تروریستی دیگر دست می‌زند و بدین ترتیب می‌خواهد موجودیت خود را با اثبات رساند برای رهایی از این وضع است که رژیم با هستگی اما طناً سرگرم نزدیکی با کشورهای غربی و به ویژه آمریکا است. لیکن اگر وضع بهمین

تربیب
امریکا هم نمیتواند رژیم خود را
را از گرادسی که بدان گرفتار آمد ما ست
نجات بخشد.
همپیمان گرامسکی!

در این اواخر، پلنوم کمیته
مرکزی برگزار گردید و در پرتو خط مشی
نماین شده در کنگره ششم حزب، همه
مسائل مهم را مورد بررسی قرار
داد. پلنوم پس از تحلیل عمیق از وضع
خاورمیانه و ایران و کردستان، تصمیمات
مهمی اتخاذ نمود که بدون شک در
آینده در پیشبرد مبارزه خلق ما
تأثیرات بسزائی خواهند داشت.

مردم مبارز کردستان!

در روز جشن ۲۵ مرداد با
خوش بینی و امید فراوانی بآینده
جنبش ملی-دمکراتیک خلقمان مینگریم.
در حالیکه دشمن رو بسوی زبونی و
درماندگی نهاد ما ست، توده های مردم
و بویژه نیروی پیشمرگ، کردستان قوی تر
و توانا تر میشوند. بهمین جهت وظیفه
نیروی پیشمرگ است که با پیروزی از
تاکتیکهای جنگ پارتیزانی، در سراسر

خاورخوار

توده های زحمتکش است که در شهر
روستا مقاومت خود علیه رژیم پاشگسرای
خیمینی را تشدید کنند. رژیم خیمینی برای
رهایی از سن بخت در فکر عقب نشینی
است و به روی خوش نشانده اند.
روی آورده است. لیکن هیچکس نباید
فریب ریاکاریهای رژیم آخوندی را
بخورد. باید قدم به قدم رژیم را به
عقب نشینی واداریم؛ سنگر بسنگری بروی
کمیونسو سرنگونی این رژیم خدا سانی آنی
از مبارزه باز نایستیم.

اعضای حزب باید تشکیلات حزب
را که مهمترین سلاح ما است مستحکم
نموده قویتر نمایند. اتحاد و یکپارچگی فکری
و سیاسی در همه ارگانهای حزبی باید
کاملاً مستقر گردد و اجازه داده نشود
که خرابکاران و منحرفان و روحیه
باختگان صفوف حزب عزیزمان را دچار
شکاف کنند.

باید برای تقویت شورای ملی
مقاومت کوشش بیشتری بعمل آوریم.
در شرایط کنونی ایران، تنها شورای
بقیه در صفحه ۲۲



قیه: زمستان می گذرد رویاهای...

اجمال ذکر نطیم ویا چنانچه
بخواهیم کارشکی ها وحادثه آفرینهای
دشمنان را تنها در محدوده بخش
کوناهای از دوران فعالیت حزب
مورد توجه قرار دهیم، چنانکه
داستان مفصلی از آب درخواهد
آمد که به هیچوجه در چهارچوب
این نوشته کوتاه نمیگنجد. از این
رو مادر اینجا صرفاً رویدادهای
مربوط به واپسین مرحله از مبارزات
حزب دمکرات کوردستان ایران، یعنی
مرحله بعد از سقوط رژیم سلطنتی
و روی کار آمدن حکومت آخوندی
را، آن هم بهگونهای بسیار مختصر،
مورد بحث قرار می دهیم:

دوران قیام شکوهند مردم
ایران وروزهای بعد از سرنگونی رژیم
محمدرضا شاه چیزی نیست که
از خاطره ها محو شده باشد. یکی
از ویژه گیهای برجسته آن روزها
این بود که گر چه هم شاه و هم
خمنی سرسخت ترین دشمنان آزادی
و حقوق انسانی توده های مردم

ایران بودند و به هیچ عنوان حاضر
نی شدند گسترش و شکوفایی آزادیهای
دمکراتیک را ببینند، لیکن در فاصله
سرنگونی رژیم شاه و استقرار
رژیم آخوندی کنترل رویدادها از دست
هر دو دیکتاتور قدیم و جدید خارج
شده و نتیجتاً مردم محدودی از این
آزادیها را به چنگ آورده بودند.

طی مدت مذکور، سازمانها
و احزاب سیاسی متعددی از گوشه
و کنار مملکت چون قارچ سر به سر
کرده و با سرعت تمام دست به کار
می شدند، و با استفاده از آشفته
بازار موجود، یک ساختمان دولتی،
یا غیر دولتی را "ماده انقلابی"
می کردند و بر سر در آن تابلوی بزرگی
نصب می نمودند. آنها برای سرگرم
ساختن خلق الله و برای روشننگری
پیرامون "سیاستها و مواضع"
خودشان "بسته بامکان" اقدام
به انتشار یک نشریه روزانه، هفتگی
یا ماهانه نیز می کردند.

وجوه مشترك کلیه این
سازمانهای سیاسی، طیفم اختلافات
شدید سیاسی! و ایدئولوژیکی!



پیه: زمستان می گذرد روسیاهی به...

اجمال ذکر نمایم و یا چنانچه
بخواهیم کارشکی ها و حادثه آفرینیهای
دشمنان را تنها در محدوده بخش
کوتاهی از دوران فعالیت حزب
مورد توجه قرار دهیم، چنانکه
دانشگاه مفصلی از آب درخواهد
آمد که به هیچوجه در چهارچوب
این نوشته کوتاه نمیگنجد. از این
رو ما در اینجا صرفاً رویدادهای
مربوط به واپسین مرحله از مبارزات
حزب دمکرات کوردستان ایران، یعنی
مرحله بعد از سقوط رژیم سلطنتی
و روی کار آمدن حکومت آخوندی
را، آن هم بگونه ای بسیار مختصر،
مورد بحث قرار می دهیم:

دوران قیام شکوهمند مردم
ایران و روزهای بعد از سرنگونی رژیم
محمد رضا شاه چیزی نیست که
از خاطره ها محو شده باشد. یکی
از ویژه گیهای برجسته آن روزها
این بود که گر چه هم شاه و هم
خمینی سرسخت ترین دشمنان آزادی

ایران بودند و به هیچ عنوان حاضر
نمی شدند گسترش و شکوفایی آزادیهای
دمکراتیک را ببینند، لیکن در فاصله
سرنگونی رژیم شاه و استقرار
رژیم آخوندی کنترل رویدادها از دست
هر دو دیکتاتور قدیم و جدید خارج
شده و نتیجتاً مردم معدودی از این
آزادیها را به چنگ آورده بودند.

طی مدت مذکور، سازمانها
و احزاب سیاسی متعددی از گوشه
و کنار مملکت چون قارچ سر به سر
کرد و با سرعت تمام دست به کار
می شدند، و با استفاده از آشفته
بازار موجود، یک ساختمان دولتی،
یا غیر دولتی را "صادره انقلابی"
می کردند و بر سر در آن تابلوی بزرگی
نصب می نمودند. آنها برای سرگرم
ساختن خلق الله و برای روشنگری
پیرامون "سیاستها و مواضع"
خودشان "بسته بامکان" اقدام
به انتشار یک نشریه روزانه، هفتگی
یا ماهانه نیز می کردند.

بجوه مشترک کلیه این
سازمانهای سیاسی، علیرغم اختلافات



آنها رو چیز بیشتر نبود : نخست
طرح شعارهای افراطی و چپروانه
و پیش کشیدن ادعاهای بزرگو و دور
از واقعیت . کار را بجایی
رسانده بودند که نظراتی از قبیل این
که پیاده کردن سوسیالیزم در زیر
سیطره عبا و عمامه و نعلین کسار
سارهای نیست و به آسانی امکان پذیر
نمی باشد را نظراتی سازشکارانه و
ناپیکر قطدار می کردند و حتی
ضد انقلابی نیز معرفی می نمودند .

دومین خصوصیت مشترک این
تازه بدوران رسیده های نوکیسه
دشمنی با حزب دمکرات کردستان
بود . هر روزنامه یا مجله مربوط به
یکی از این سازمانها را ورق می زد
اگر مطلبی در دشمنی و ضدیتها
عبارت داشت و دشمنان و نگارندگان
انقلابی در آن مشاهده می کردی ، دو
مطلبو حتی پیش از دو مطلب
در رابطه با خصومت و ستیزهجویی
علیه حزب دمکرات را در آن می یافتی .
راستان اعلامیه ها و بیانیه های
ریز و درشتی نیز که علیه حزب
دمکرات هر روز و هر شب پخش

می شدند جای خود دارد و بازگو
کردن آن در حوصله هیچ کیس
نیست . حزب دمکرات کردستان
سازشکار !! بود ، فرصت طلب
بود !! از محتوای انقلابی تهی
شده بود !! چیزی از حزب توده بود !!
وابسته بیگانگان بود !! او هزاران
نهمت و افترای دیگر از همین دسته
جالب توجه این بود که رژیم
خیمینی هم که بسیار زیرکانه این
قبیل سازمانها را ارزیابی کرده بود ،
بخوبی بر میزان " قیمت تمام
شده " آنها آگاهی داشت و می دانست
که چه تعداد پیرو و هواخواه دارند ؟
از آنطرف نیز از نفوذ و محبوبیت
حزب دمکرات در میان مردم کردستان
با خبر بود و برای آن حساب باز
کرده بود . از اینرو گند مگوئیه ها و
شعارهای تند و چپروانه سازمانهای
مذکور را تحمل می کرد ، مانع
" کار " شان نمی شد و حتی در مقابلشان
اخم نمی کرد . رژیم خوب می دانست
که این سازمانها در کردستان و نه
در سایر بخشهای ایران پایگاه
تو دهای چندانی ندارند ، زیرا



بود که حکم غیر قانونی شده و انحلال آن از جانب رژیم خمینی صادر شد.

با گذشت روزگار و استقرار یافتن بخشی از ارگانهای سلطه، آخوندی، رژیم بتدریج ماهیت خود را آشکار ساخت و در سرتاسر ایران حقوق و آزادیهای توده‌های مردم را مورد تجاوز قرار داد. لیکن کاملاً طبیعی بود، و انتظار هم می‌رفت، که شدیدترین و سبعانه‌ترین یورشهای رژیم متوجه کوردستان و حزب دمکرات گردد. خمینی می‌دانست که خلق کورد به سبب بسیاری از دلایل تاریخی و اجتماعی و فرهنگی و نیز به علت برافروختن از یک سابقه انقلابی، بیش از سایر خلقهای ایران در مقابل سلطه، ارتجاعی و ستمگرانه، او مقاومت خواهند کرد. از این واقعیت نیز کاملاً خبر داشت که حزب دمکرات کوردستان رهبر و سازمانده مبارزات مردم کوردستان برای کسب آزادی و عدالت اجتماعی است.

از اینرو بعد از چند درگیری منطقه‌ای، مانند رویدادهای خونین سنندج و نقه که بر مردم صلح‌جوی

آمد مانند و زور خواهند رفت و برای سلطه، ولایت فقیه خطری ایجاد خواهند کرد. حزب دمکرات کوردستان ایران است که در قلب توده‌های مردم کوردستان ریشه دوانده است و پیشروی بسوی اهداف پلید حکومت آخوندی را مورد تهدید قرار میدهد. نصادفی نیست که دستگاههای تبلیغاتی جمهوری اسلامی همواره و همواره با این قبیل سازمانهای با اصطلاح چپ و علیه حزب دمکرات کوردستان ایران دست به تبلیغ می‌زدند و بسیاری از افتراات ناروای آنها نسبت به حزب را نشخوار می‌کردند. به شهرات تاریخ، هر چند حزب دمکرات کوردستان ایران، در مقام یک حزب مسئول می‌خواست جنگ و کشت و کشتار و خانه‌خوابی را از سر مردم کوردستان دور کند و از راههای صلح‌آمیز با رژیم تازه بقصد دسترسیده در مورد خواستهای برحق مردم کوردستان به توافق دست یابد، و نیز علیرغم این واقعیت که تقریباً کلیه سازمانهای چپ و شعار سرنگونی رژیم خمینی را می‌دادند، معذالک حزب دمکرات اولین سازمان سیاسی ایران



کردستان تحمیل گردید در مرداد ماه سال ۱۳۵۸، بعد از ممنوع کردن فعالیتات حزب دمکرات کردستان ایران و صدور فتوای چهار جبهه علیه مردم کردستان، خمینی به نیروهای سرکوبگر دستور دستور داد به شیوهای سرتاسری به تمامی مناطق کردستان حمله ور شوند. در اینجا بود که "محک تجربه" بمیان آمد و بقول گذشتگان: "زمنان رفت و روسیاهی به زغال ماند".

حزب دمکرات کردستان ایران به پیروی از ماهیت انقلابی خویش و به تبعیت از مسئولیت تاریخی برای دفاع از حقوق و آزادیهای مردم کردستان کمر مردانگی بست و سینه نخبه ترسناک مبارزان خود را در مقابل گلوله های دشمنان آزادی سپرد؛ داستانها از شجاعت و مردانگی هر سینه تاریخ ثبت کرد؛ حماسه ها آفرید و سرانجام دشمن را بزانودر آورد و مخالفین را سر جای خود نشانده.

کردستانی و سراسری را آشکار ساختند. مردم نیز که خود اولین و آخرین داور قضایا هستند، سره را از نامسره و انقلابی را از انقلابی نسبا جدا کردند. نتیجتاً پارهای از این سازمانها که در تحلیلهای خود نسبت به حزب دمکرات راه خطا رفته بودند، لیکن همچنان در عرصه مبارزه علیه رژیم خمینی باقی مانده بودند، به تصحیح اشتباهات خود پرداختند و سیاست دوستی و همکاری با حزب مارادریش گرفتند. بعضی دیگر، مانند حزب توده و دنباله های آن، به سیم آخر زدند و تا آخرین لحظه حیات سیاسی خود بر تمامی خیانتها و جنایات رژیم ضد امپریالیستی!! جمهوری اسلامی مهر تأیید گذاشتند.

پس از یورشهای رژیم خمینی بر تشکیلات حزب توده و بازداشت اکثر کارها و اعضا آن و بعد از بر ملا شدن پوچی و بی محتوایی تمامی نظریات و تئوریهای رهبران این حزب و اثبات نادرست بودن کلیه سیاستهای آنان، و پیوسته بعد از مصاحبه های ترم آرد راد یوتلوویز فی تود مایها و

کوتاه سخن؛ رویدادهای بعدی درستی و حقانیت سیاستهای حزب دمکرات کردستان ایران و کورگاووری و نادرستی تحلیلهای بسیاری از سازمانهای



اعترافات آشکاره! در مورد اعمال خیانت پارتی، انتظار میرفت کسانی که مخالف خط مشی اصولی حزب دمکرات کردستان ایران بودند، دست کپسرای یکبارهم که شده، احساس شرمندگی نمایند و از کارشکنی و دسیسه جینی علیه حزب مادست بردارند. خلقهای ایران، بویژه مردم کردستان، نتایج سیاست مسئولانه حزب دمکرات را تجربه کردند و دیدند که این حزب، هم در مبارزه و مبارزه علیه دشمنان هم در تلاش برای دستیابی به آشنایی و صلح بسیار پیگیر است. حاصل چنین سیاستی باسرافرازی زیستن و اسیرلندی مردن است. لیکن تندروی و کج رفتاری و طرح شعارهای میان تهی، سرانجام به میدان خالی کردن و تسلیم شدن خواهد کشید و فرصت طلبی و سازشکاری نیز جزر و سویی در پیشگاه خلق هیچ نمره دیگری ندارد و نمی تواند داشته باشد. اما مگر بی آبرویی سیاسی حد و مرزی می شناسد؟ مگر آنهایی که خود را موظف می دانند در مقابل هر قدمی که در جهت منافع مردم برداشته می شود به کارشکنی برخیزند و

در راه آن سنگ اندازی نمایند، هرگز حاضر می شوند از کار خود دست بکشند و رضایت بدهند؟ با کمال تأسف، خیر. اینها هرگز از رونمی روند؛ چرا که هر بار که از در بیرون می روند ازینجره باز می گردند و برای به انجام رسانیدن رسالت تاریخی خود!! هر چه از دستشان برآید کوناهی نمی کنند! اکنون نیز بار دیگر ریوشنی تازه به میدان داری برخاسته اند اما چگونه؟ اینبار که نمی شود بگویند: حزب دمکرات سازشکار است، چرا که پنجمال حماسه آفرینی و یایمردی فرزندان حزب دمکرات کردستان ایران بوجی این ادعاها را برای خرد و کلان آشکار ساخته و خون سرخ هزاران نفر از شهدای حزب مان مهر رسوایی را بر پیشانی همه آن کسانی زده است که حزب مسارا سازشکار و ناپیگیر می شناساندند. بعلاوه دیگر نمیتوان از سیاست "هزار ما شا الله" خدا امیر یا ایمنی!! رژیم خمینی نیز دفاعی بکنند زیرا اینکار حکم تأیید دستگیری و زندانی شدن شکجه و اعدام همکارانشان را خواهد



داشت. داستان گرفتن ۹ میلیون دلار از ناتوبوسیلهٔ دبیرکل حزب مان و تهمتها و افتراهایی از این دست نیز دیگر سازشکنه و زنگار گرفته‌ایست که کمتر کسی را به رقص و پایکوبی و می‌دارد.

پس باید چکار کنند؟ چاره اینستکه حزب دمکرات کردستان ایران را به ملت دفاع پیگیر از دمکراسی و سوسیالیسم، سوسیال - دمکرات و وابسته به سوسیال - دمکراسی غرب قلمداد نمایند. شاید این چشمه از شیرینکارهایشان چیزی از آب درآید! مگر نه اینستکه حزب دمکرات در برنامهٔ مصوبهٔ کنگرهٔ ششم خود "ایجاد یک جامعهٔ دمکراتیک سوسیالیستی" را آرمان نهایی خود بحساب آورده است؟ اگر واژه‌های "دمکراتیک" و "سوسیالیستی" را پس و پیش کنید، نتیجهٔ "سوسیال - دمکراسی" خواهد شد!! به اینهم کاری ندارند که حزب دمکرات کردستان ایران در برنامه و کلیهٔ نشریات و ادبیات خود آشکارا و بروشنی سرمایه‌داری را نفی کرده و سر

سوسیال - دمکراسی مهر ابطال زد است. به این می‌گویند: امانت سیاسی! امانت سیاسی و اخلاق سیاسی نیز در قاموس آنها هیچ معنای مفهومی ندارد. اینستکه، در خارج از حزب و حتی گامگاری عدای که هنوز در صفوف تشکیلاتی حزب خود را مخفی کرده‌اند به گونه‌ای خستگی‌ناپذیر و بی‌وقفه علیه حزب دمکرات دست به تبلیغ می‌زنند و هرآنچه که شاید بسر زبان می‌آورند؛ خود را "چپ"، "سوسیالیست"، "کمونیست" - "جاسوس" می‌زنند و حزب دمکرات را نیز "سوسیال - دمکرات" و نمایند "بورژوازی معرفی می‌کنند!!" آخر نه آنکه: "در دیزی باز است کو گریه هم حیاتی ندارد؟!"

جالب توجه آنکه غالب این قبیله

افراد متزلزل بیکاره، هزینه‌ت‌گسره و

درمانده بصورت فردی یا دسته جمعی،

"خوانچه‌سوسیمونی مهیا کرده" برهسپار

قبلهٔ آمال خود گشته‌اند. کسانی که

از حقیقت قضایا بی‌خبرمانده‌اند

ممکن است تصور کنند این قافل

رو بطرف کشورهای سوسیالیستی دارد.



در هر گوشه‌ای پناهگاهی بدست
آورند دست شکرگذاری به آسمان بلند
می‌کنند. آنها در این راه به هر کسی
و ناگهانی متوجه می‌شوند تا شاید چند
صباحی در میانش در امان و امان بمانند
و جان خود را از خطرات محفوظ دارند.
مشکله مهم اینست که جایی برای ایشان
پیدا شود که در آن از ترس و دلهره
خبری نباشد، ترکیه یا عراق، پاکستان
یا افغانستان، برای ایشان فرقی
نی‌کند.

خیر، آقایان هزیمت کردند
بسیار محترم! لازم نیست اینقدر
خودتان را خسته کنید! مردم
کردستان هم شما و هم حزب دمکرات
کردستان را خوب می‌شناختند.
همگان نیک می‌دانند که شما همه
سوسیالیست هستید و نه کمونیست و
انقلابی؛ شما آرמهای و امانده‌ای
هستید که به خطا گذرتان به محفل
مبارزان خورد، است و گرنه هرگز مسرد
این میدان و فرزند روز مسرد
نیورناید.

بله، شما، بدلیل گرسنگی همه
تشنگی‌ها، سردی و گرمی، سختی و آسایی

در حالیکه چنین نیست آنان اکنون
قد چنین کاری براند دارند و یا بهر علتی
اجازه آن را بدست نیاورد ماند، بهر حال
این مسئله، موضوع بحث مان نیست.
مشکله اینجا است که کلیه این
عالمی‌جنابان، برای یافتن پناهگاهی
در دامن سوسیال - دمکراسی غرب
و در آغوش کشورهای سرماییداری و
تحت حاکمیت بورژوازی سرود دست
می‌شکنند. ظاهراً سوسیال - دمکراسی
اینقدرها هم بد نیست! لااقل به
درد این می‌خورد که این جماعت از
هزیمت کردگان و امانده، که در کردستان
قهرمان‌پرور جا و مکانی ندارند، به آن روی
آورند و در سایه آن نفس راحتی
بکشند.

جالب‌تر از آن داستان کسانی
است که از یکطرف از دسترسی به این
آرزوی دیرینه محروم ماند ماند و از سوی
دیگر، در کردستان چنان دستخوش
وحشت و هراس گشته‌اند که از سایه
خود می‌ترسند و در پی یافتن سوراخ
موشی به هر دری می‌زنند؛ خود راه
دست تقدیر سپرد ماند و در هر جا
حاجه و شتیانی برایشان پیدا شود

تصمیمات حزبدمکرات باید همیشه منافع
توده های مردم کردستان و تسهیلا
منافع توده های مردم کردستان
و ویژه منافع زحمتکشان تاثیر بگذارد
ولا غیر.

ترسیدن و عرصه خالی کردن
از سوی چند آدم بزدل و ترسو
نیز هیچگاه براراده کارها، اعضا
و هواداران مبارز و انقلابی حزب ما
تا تیری نخواهد گذاشت. هر
انقلابی قانونمندیهای ویژه خود
دارد. در جریان انقلاب، هرزه ها
و جین می شوند؛ هر آنچه ناسره،
پوچ و بی محتوا است، بدور ریخته
می شوند و آنهایی که سره و سالم
و پاکد باقی می مانند و با سرافرازی در
میدان مبارزه بکارشان ادامه خواهند
داد.

آقایان! برای آنکه در آینده
مورد تمسخر و ریشخند مردم کوچک
بازار قرار نگیرید بجا است که پیش
از این در رسوایی خود نکوشید و
نمانده آبروی خود را بر باد ندهید.

بقیه در صفحه ۲۲

که هر سر راه مبارزه وجود دارد، پشت
به مبارزه کرده و در هراس از غشوش
هواپیماها و غریب آشبارها فراری
شدن باید؛ شما را ترس برداشته است،
ترس از همه چیز حتی از خود ترس
که چون گاو سوس و حشمتاک مدام شما
را تعقیب می کند؛ لیکن می خواهید
برای این ترس و وحشتی که سر پایتان را
در بر گرفته است تئوری بیافزاید و
بهانه های جستجو کنید.

خیر، خیر، آقایان محترم
بزدل! حزب دمکرات کردستان
ایران نه سوسیال - دمکرات است
نه نمایندۀ بورژوازی است و نه به
جایی وابسته است؛ حزب مادر طول
حیات پرافتخار خود همیشه تلاش
کرده است استقلال رأی داشته
باشد و خود مستقل تصمیم بگیرد؛
بارها نیز، استقلال و عدم وابستگی
حزب برایش بسیار گران تمام
شده است؛ لیکن همواره تاوان چنین
استقلالی در تصمیم گیریها
را سخاوتمندانه تحمل نموده است.
اکنون، و در آینده نیز، راه حزب
دمکرات همانست که بوده است. هر



تا بحال، تاریخ چندین بار
بنفع حزب دموکرات کردستان ایران
شهادت داده است و در آینده نیز
شهادت خواهد داد؛ دشمنان حزب
محبوبمان را رسوا و سرافکند خواهد
کرد و باز هم "زمستان خواهد گذشت
و روسیاهی به زغال خواهد ماند".

بقیه: : پیام دبیرکل بمناسبت ۲۵ مرداد.

ملی مقاومت است که میتواند بعنوان
يك آلترناتیو دموکراتیک جایگزین رژیم
خمینی گردد.

بایستی همکاری خود را با همه
نیروهای مرفقی و انقلابی مخالف رژیم چه
در کردستان و چه در بخشهای دیگر
ایران گسترش دهیم و همبها هم برای
سرنوشتی رژیم خمینی و برای کارآوردن يك
رژیم دموکراتیک کوشا باشیم.

هم میهنان گرامی!، توده های
حق طلب مردم کردستان!، اعضای
هزید حزب دموکرات!، پیشمرگان
قهرمان کردستان!، عیدتان پیروز
و زندگیتان سرشار از شادکامی و سرفرازی باد!

بقیه: : زمستان می گذرد و روسیاهی به ...

ثوری بافتن بوقت هزیمت هیچکس
را نمی تواند بفریبد. از اینرو صلاح خود
شما است که از چنین کاری دست
بکشید. اگر توانایی آنرا در خود
نی بینید که در عرصه مبارزه باقی
بمانید، دست کم به خون شهیدان و
به مقاموالای انقلابیون و مبارزان
راستین بی حرمتی نکنید؛ بقول پیشینیان:
"اگر باری زدوشم برنداری بروی
بار سر بارم جدایی؟!"

تا آنجا که به حزب دموکرات
کردستان ایران مربوط می شود،
حزب همانگونه که از توپخانه و نیروی
هوایی دشمن ترسی به خود راه
نی دهد، از توپ و تشرهای مشتکی آدم
بزدل و ترسو نیز باکی نخواهد داشت.
حزب ما دلگرم به نیروی بی پایان
خلق و امیدوار به قهرمانیهای
پیشمرگان دلیرش را مقود را بسوی
پیروزی خواهد گشود و از روغها و
افتراات ساختنمیرد اختتامی در مانده
و مفلوک " گلش هم نمی گذرد."

بقیه: لاف و گزاف رژیم و...

فرانسه کشور مارا اشغال کرد مهمترین خواستهای خلق ویتنام بصورت کسب مجذور استقلال و آزادی میهن، تأمین یک زندگی مناسب و شرافتمندانه برای توده ها و احیای ارزشهای فرهنگی و معنوی انسان ویتنام تبلور یافتند که حزب ماهمه آنها را در برنامه خود قرار داد.

در مورد روش مبارزه هم "لودوان" میگوید که: "یک روش مبارزه هنگامی بهترین و عاقلانه ترین روش شناخته خواهد شد که ضروریات و خواستهای یک دوره زمانی مشخص را در نظر گیرد و تحقق بخشد". "لودوان" در مورد اهمیت تعیین شعارها با توجه باصل فوق میگوید: "در اینجا است که باید به اهمیت شعارها توجه کنیم. هنر رهبری و رهبرهای استراتژیک و تاکتیکی انقلاب و هنر جهت دادن به مبارزه، قبل از هر چیز عبارتست از تعیین شعارها با توجه به شرایط و اوضاع و احوال". این، نمونه ای از نظرات و برداشتهای رهبران و گردانندگان مبارزه خونین و

قهرمانانه ویتنام بود. اکنون بیپیشم آیا جنبش خلق کرد در کردستان ایران بر رهبری حزب دمکرات تاجه اندازه توانسته است مطابق چند نمونه ای که آورده شد خواستها و آرمانهای مردم را به هدفها و شعارهای خود تبدیل کند و اکثریت توده های مردم را از صمیم قلب با خود همراه نماید؟

قبل از هر چیز باید نظری به هدفهای جنبش بیفکیم که در برنامه و شعارهای حزب پیشرو جنبش، یعنی حزب دمکرات کردستان ایران بصورتی علمی فرموله شده اند و با صراحت و بدون ابهام خواستهای توده های مردم کردستان بالاخص و مردم ایران بالعموم را منعکس نموده اند.

شعار استراتژیک حزب و هدفهای کلی در برنامه حزب بصورت زیر گنجانده شده اند:

۱- حزب دمکرات کردستان ایران حزب پیشرو مردم کردستان ایران است و دوش بدوش نیروهای مترقی سراسر ایران در راه قطع نفوذ سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم و برای حفظ استقلال ایران و



خود قطع نفوذ سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیزم رایجی از هدفهای عمومی تعیین کرده است که در تمام رفتارهای ضد خلقی و استثمارگرانه نسبت به مردم ایران چه از نظر طبقاتی و چه از نظر ملی جای پای امپریالیزم را به عیان می بینند. حزب آگاه است که امپریالیزم چگونه بدست مزدوران خود یعنی از طریق بر روی کار آوردن رژیمهای وابسته و خودکامی چون رژیمهای شاه و خمینی خون خلقهای ایران را مکیده و میگیرد؛ منابع درآمد کشور را بنهارت میرد و ذخائر آیند، راناراج مینماید؛ آگاه است که امپریالیزم چگونه در امور سیاسی کشورمان مداخله میکند، مهره ها را تعویض مینماید، عوامل خود را در پشتهای حساس قدرت میگمارد و میخواهد ایران ثروتمند و صاحب امکانات را به ژاندارم حافظ منافع خود در منطقه پر اهمیت و حساس خاورمیانه تبدیل نماید؛ آگاه است که مردم ایران آنچنان آشکارا دست امپریالیزم را در پشت سر رژیمهای شاه و خمینی و در تمام

استقرار رژیمی در مکرانیک و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خلق گوردر کردستان ایران مبارزه میکند.

۲- آلمان نهایی حزب در مکران کردستان ایران، ایجاد یک جامعه در مکرانیک سوسیالیستی است.

۳- شعار استراتژیک حزب در مکران کردستان ایران، تأمین در مکران برای ایران و خود مختاری برای کردستان است.

۴- حزب در مکران کردستان ایران از مبارزه رهایی بخش همه خلقها علیه امپریالیزم جهانی بویژه امپریالیزم امریکا و علیه رژیمهای ستمگر و ارتجاعی پشتیبانی مینماید و عوامل صلح و دوستی خلقهای همه کشورها است.

می بینیم که هدفهای حزب رعبری کننده جنبش که البته همان هدفهای جنبش هستند، مستقیماً از خواستههای خلقهای ایران و بخصوص از خواستههای خلق کرد در اوضاع و احوال فعلی گرفته شده اند. حزب در مکران بنفایه حزب پیشرو مردم کردستان از آنجا که در مکران یک برنامه



استقلال عمل را در کشور مستقر گردانند . رهبری جنبش با آگاهی از اهمیت پیوند مکراسی با خود مختاری و با ایمن احساس که هیچکدام از این دو نمیتوانند بدون دیگری استقرار واقعی بیابند و این دو بهم وابسته و مکمل یکدیگرند ، شعار استوانژیک خود را بصورت مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان در ماده سوم تعیین نموده است . شعاری که خوشبختانه اکنون به شعار همه مردم کردستان تبدیل شده و جنبش اکثریت سازمانهای سیاسی سراسری ایرانی هم به اصولی بودن آن اعتراف کرده آنرا پذیرفته اند .

رهبری جنبش تنگ نظرانة بحل مشکلات اجتماعی نمی نگرد . زندگی آینده نودهای مردم کردستان و ایران را در نظر میگیرد و شایسته ترین راه چاره را برای حل همه تضادها و رفع تمامی انواع استثمار در پیاده کردن سوسیالیسم می یابد . از این رو سوسیالیسم را بعنوان " آرمان نهایی " تعیین مینماید و بدین ترتیب هدف مقدسی را به نسلهای آینده مژد میدهد و از همین اکنون کارگران و زحمتکشان کشور را برای بدست گرفتن سرنوشت خود و

اعمال فارتگرانه دیده اند که مبارزه ضد امپریالیستی را یکی از خواستهای اساسی خود قرار داده و برای این مبارزه آمارگی تمام یافته اند . سپس در همین ماده شرایط نابسامان کوردستان مطرح گشته و ریشه این وضع نابسامان بحق در این دیده شده است که مردم کردستان هیچگاه در تعیین سرنوشت خود شرکت نداشته اند و پیوسته کمان دیگری از مرکز در مورد آنان تصمیم گیری کرده و بزور سرنیزه بر آنها تحمیل کرده اند از همین رو تأمین حق تعیین سرنوشت یکی از خواستهای فوری و اولیه مردم کردستان گشته است ، مردمی که حق دارند از زیر بار ستمی و رهایی یابند و سرنوشت خویش را بدست بگیرند .

آنگاه چه برای پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی و چه برای تضمین حق تعیین سرنوشت (خود مختاری) مقاله " مکراسی " نیز مطرح گشته است . مکراسی وسیعی که طبقات و اقشار زحمتکش کشور را به حقوق عادلانه خود برساند ، حق تعیین سرنوشت خلقهای تحت ستم را بدست خودشان بسپارد و آزادی و



از شب همان روز است و روز چیزی جز شب نیست!

از همین رو حزب دمکرات ضروری دیده است که همراه با "سوسیالیسم" بمثابة آرمان نهایی، در مورد دمکراسی نیز که آرمان و آرزوی قدیمی و بسیار مشخص توده‌های دیکتاتور زده‌ستمدید است تأکید نماید و با بکار بستن اصطلاح "سوسیالیسم دمکراتیک" منظور و مقصود واضح و بدون ابهام خود را در مورد جامعه آینده اعلام میدارد. در برنامه حزب دمکرات آرمانهای مقدس و والای جنبش از اینهم بیشتر شرح و گسترش یافته و حیاسات انسان این عصر را شامل گشته است. به عنوان مثال در هدفی کلی چهارم اعلام شده است که پشتیبانی از همه جنبشهای رهایی بخش و خواستههای دمکراتیک همه خلقهای جهان وظیفه جنبش و رهبری جنبش است.

بدین ترتیب اگر به هدفهای حزب که براساسی به هدفهای جنبش تبدیل شده‌اند توجه شود، معلوم خواهد گردید که این هدفها کاملاً مطابق خواستهها توده‌های مردم کردستان و

رهبری انقلاب اجتماعی ایران آگاهیدار می‌سازد.

بدیهی است در حال حاضر از "سوسیالیسم" تعبیرها و تفسیرهای گوناگونی بعمل می‌آید که همین امر ممکن است خواست "سوسیالیسم" مطلق را بانوعی ابهام همراه سازد. متأسفانه بعلمت مسائلی که در اینجا مجال بحث از آنها نیست در بعضی جاها چنین نشان داده شده است که "سوسیالیسم" با وجود یک دمکراسی عمومی و وسیع نمیتواند استقرار یابد و بدین ترتیب سوسیالیسم و دمکراسی را برخلاف محتوای واقعی آنها بسان دو مقوله مخالف و متضاد باهم معرفی کرده‌اند. همچنین دسته‌ها و گروههای زیادی که خمسود را سوسیالیسم و مارکسیسم میدانند سعی کرده و میکنند که مفاهیم "دیکتاتوری" و "دمکراسی" را باهم تعویض کنند و با بحث‌های سردرگم و خلط و محبت‌های آشکار چنین وانمود کنند که: معنی راستین "دمکراسی" آنطور که برسر زبانها جاری است "دیکتاتوری" است و "دیکتاتوری" را در واقع باید عین دمکراسی دانست. درست بمانند آنکه بخواهی هزار اثبات کنی که مقصود

سراسر ایرانند و بسیار خوب جوابگوی احساسات انسانی عصر حاضرند. بی جهت نیست که خلق کرد آرزو و خواسته های قدیمی خود را در آنها یافته است و از همین رو با جان و دل از آنها پشتیبانی مینماید و روزی نیست که در راه تحقق آنها همه قربانی ندهد. خلتهای ایران نیز بطور کلی، همین خواسته ها را دارند و از کمالهای گوناگون دقیقاً همین شعارها را تکرار میکنند. حتی سازمانهای سیاسی هم هر چند برای مشخص نمودن شعارهای خود از شعارهای جنبش خلق ماصفاتی به این شعارها می افزایند لیکن در واقع خود نیز بخوبی آگاهند که آنچه حزب و جنبش خلق کزنخواستار است و برایش مبارزه می کند همانست که آنان نیز در راهش تلاش می کنند.

برای آنکه جنبش از این نظر ارزیابی گردد، درست تر آنستکه روند پیشرفت یا پسروی جنبش از این جهت مورد توجه قرار گیرد: اگر جنبش در پروسه مبارزه روز به روز سازماندهی بهتر یافته و دیسیپلین بیشتری در آن برقرار شده باشد، در این صورت معلوم میشود بخوبی میتواند این شرط دوم را هم بتمامی دارا گردد و در جهت پیروزی به پیش رود. اگر هم از جهت سازماندهی رو به ضعف نهاده باشد در این صورت معلوم میشود که نقضی در جنبش هست و فاقد یکی از شرطهای لازم برای دستیابی به

بطور خلاصه یکی از شرطهای مهم و اساسی که عبارت از پشتیبانی صمیمانه توده های مردم از جنبش است با رهبری حزب دمکرات کردستان ایران تحقق یافته است.

۲- شرط دوم عبارتست از سازماندهی و برقراری نظم و دیسیپلین: هر چند نمیتوان ادعا کرد که جنبش امروز



پیروزی است .

جنبش خلق کرد در کردستان ایران برهبری حزب دمکرات کردستان از این جهت پیروزی بزرگی بدست آورده است . در مدت این پنج سال پیشرفت زیادی کرده و تحولات کیفی و کمی چشمگیری یافته است . اگر در جنگ ماهه بعثت بی نظم و بی دیسپلینی و حتی بی سازمانی ، با یک یورش ضعیف رژیم بیشتر مناطق آزاد شده کردستان از سوی پیشمرگان تخلیه شدند و اگر در آن زمان هنوز نیرو و شاخه " و " دسته " و " گروه " معلوم نبود و بطور خلاصه اگر تشکیلات حزبی در بسیاری از مناطق کردستان هنوز برقرار نگشته بود اکنون خوشبختانه علیرغم آنهمه فشار و یورش رژیم و با وجود آنهمه امکانات نظامی که در کردستان بکار گرفته می شود جنایت و خفقانی که بارمغان آورده است ، تشکیلات سیاسی و نظامی حزب دمکرات که رویهم جنبش را رهبری می کنند ، در سراسر کردستان ریشه دوانیده اند . اکنون بیش از بیست نیروی پیشمرگ تأسیس گشته و در تمام مناطق کردستان سازمانهای

حزبی استقرار یافته اند و کمیته های حزبی در تمام شهرستانها بطور مرتب با محور حزبی میرد ازند و مسئولیت اغلب این کمیته ها بر عهده اعضای کمیته مرکزی است .

در نتیجه این سازماندهی ، اکنون هیچ عقب نشینی بدون نظم و ترتیب انجام نمی گیرد ، هیچگاه منطقه ای یکسری برای دشمن تخلیه نمیگردد . پیشمرگان در بعضی مواقع تا جنگ تن بدن با دشمن بدرگیری ادامه میدهند و آنگاه که برایشان مسلم شد ادامه درگیری در آن محل مشخص به نفعشان نیست به یک عقب نشینی منظم تن میدهند و بدون آنکه منطقه را تخلیه کنند محل خود را عوض مینمایند . در حقیقت خواب با اصطلاح پاکسازی دراز مدت هیچ محلی و هیچ روستایی برای دشمن تحقق پذیر نبوده و اگر هم پایگاهی تأسیس کرده است بهیچوجه بمعنای راندن پیشمرگ از منطقه نبوده و تنها میتوان گفت که نشانه ای و هدفی برای حملات پیشمرگان تعیین کرده است . مردم کردستان نیز از نظر کیفی



پیشمرگان از بین برد، ضروریات جنگ در مرحله پارتیزانی و باخویی فراگرفت و در تهیه احتیاجات کوشید. بایسد تشکیلات مخفی را تقویت نمائیم، اطلاعات خود را در مورد وضع دشمن بیشتر کنیم و سعی کنیم چنان نظمی برقرار سازیم که بتوانیم همه اسرار خود را محفوظ نگاه داریم تا دشمن نتواند در بین ما نفوذ کند، و بسیاری دیگر از این دست که این مقاله جای بحث از آنها نیست.

۳- شرط سوم عبارتست از یک رهبری شایسته و کارآمد؛ وجود این شرط در جنبش ما بدون شک با توجه بوجود شرط سابق انکارناپذیر است. شرایطی که از آن به تفصیل صحبت کردیم، بهمت حزب دمکرات کردستان ایران و به قیمت فدا کردن جسدان بهترین فرزندان حزب در طی تجربه ۳۹ ساله و با تحمل رنج و مشقت و محرومیت فراوان کارها و رهبران توانسته فراهم آید.

حزب دمکرات توانسته است آنچه مبارزه سخت و دشوار را پشت بقیه در صفحه ۵۱

بسیار پیش تر رفته اند. اکنون دیگر کمتر کسی حاضر است خانه و گاشانه خود را بسازگی برای دشمن تخلیه کند و آواره نقاط دیگر گردد. در شدیدترین حملات و در زیر باران توپ و خمپاره و کانیوشا مردم بشهادت میرسند و بسیاری مواقع خانه شان بر سرشان خراب میگردد اما آنها بدست دشمن نمی سپارند و فرار نمی کنند. مردم در روستای خود باقی میمانند و آغوش گرم و پرمهر خود را همچنان بروی پیشمرگان میکشایند و همانند سابق به پشتیبانی حق شناسانه و دلسوزانه خود از فرزندان ازجان گذشته خود ادامه میدهند.

بدین ترتیب نه تنها نمیتوان گفت که جنبش خلق ما فاقد شرط دوم است بلکه میتوان ادعا کرد که این شرط را هم بخوبی در خود جمع کرده است، منتها البته در مورد بهبود کیفیت سازماندهی و ایجاد نظم و دیسیپلین نباید آنچه که هست قانع ماند و بایستی شب و روز در فکر برگردن شکافها و تقویت نقاط ضعیف تر بسوزد. بعنوان نمونه در مورد آموزش دادن کارها و پیشمرگان باید فعالیت بیشتری بخرج داد؛ روحیه منطقه گرایی را در



بقیه: : جامعه' نمونه (اسوه) ...

یافته است .

اصل دوم قانون اساسی جمهوری

اسلامی نیز مقرر میدارد :

"جمهوری اسلامی، نظامی است

بر پایه ایمان به : ۱- خدای یکتا

و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم

تسلیم در امر او ."

مطابق این اصل و آنچه از

خمینی نقل شد ایجا در نوع

حکومتی با هر شکلی جز آنچه که

مورد نظر فقهای امامیه است مردود

و محکوم است خواه این حکومت

بانتخاب به حاکمیت امام تشکیل شود

خواه در شکل نظامهای عرفی آن .

مخالفت فقهای شیعه و آیات نیز با

ولایت فقیه خمینی از همینجا مایه

میگیرد که آنان عدم انطباق ولایت

فقیه را با فکر حاکمیت امام انکار

کنند .

همچنین اصل دوم قانون

اساس متصدیان حکومت جمهوری را

کسانی معرفی می کند که دارای

کرامت و ارزش والای انسانی بوده و تنها

در برابر خدا مسئول شناخته

میشوند . این صفات در باور خمینی

و طرفداران ولایت فقیه تنها در وجود

فقها تجلی می یابد که در صدنا چیزی

از جمعیت را تشکیل می دهند که

این خود با شیوه انتخاب در کشورها

بانظام جمهوری فرق دارد .

خمینی در کتاب "ولایت فقیه"

میگوید " چون حکومت اسلام هویت

قانون است قانون شناسان و از آن

بالا در دین شناسان یعنی فقها باید

متصدی آن باشند " با این کیفیت در

این نظام رأی جمهور و اکثریت

مردم (امت) تنها وقتی محترم و

منشأ اثر خواهد بود که آنان

دین شناسان را بنام نمایند و انتخاب

و در مجلس که جز تفسیر تشریع و

رهنمود ولی فقیه و وظیفهای ندارد جای

دهند و خود بی مخالفت در برابر امر

آنان که امر پروردگار است تسلیم و

مطیع باشند . بدیهی است چنین

سیمنی با آنچه در دنیا بنام

جمهوری شناخته شده است تفاوت

فاحش دارد .

بقیه : جامعه نمونه (اسوه) . . .

خمینی در کتاب "ولایت فقیه" با علم عدم همخوانی نظام پیشنهادی حکومتش با نظامهای دیگر و با فکر امامت میگوید : "طرفداران حکومت فقها هدفشان کسب قدرت نیست، بلکه هدفشان از کسب قدرت سیاسی اجرای اهداف فوق یعنی برقراری "عدالت اسلامی" و "اجرای قانون" میباشد". بدیهی است که در این نظام جایی برای رئیس جمهور منتخب مردم و نمایندگان ملت و انتخابات و دولت و کابینه و برنامه های اقتصادی و رفاهی و غیره که از تأسیسات و شیوه های حکومتی غرب است وجود ندارد؛ زیرا قانون اسلام مشخص و معلوم است و هیچ چیز در زیر این گنبد کبود نیست که مورد لحاظ شارع واقع نشده باشد و تنها اجرای قانون است که وسیله روحانیون یا دین شناسان انجام میگیرد. قرار دادن این شیوه تفکر در چهارچوب نظامهای غربی از جهتی عوامفریبانه و از جهت دیگر غیر شرعی و بدعت در اسلام تلقی میشود زیرا حاکمیت

مشروع از آن امام است و او هم نه ظهور کرده و نه بر ارجاع نیابتش به خمینی دلیلی در دست است. طبیعی است با چنین کیفیتی حکومت خمینی نیز یک حکومت غاصب و عمالش : عمله ظلم تلقی میشوند چه از آنجا که امام معصوم و مبرا از گناه است بدیهی است که نایب وی نیز باید متصف به این صفات باشد تا بتواند امر حاکمیت را به نیابت از وی عهده دار شود؛ در حالیکه میدانیم که جنایات روزانه وی از اندازه فزون است. و اقوال خلاف شرع وی از روز روشن تراست. با این حساب اگر ادعای وی را در انتساب به امام و نیابت وی مقرون به صحت بدانیم میبایست همه جنایات های وی را بپسای امام زمان بنویسند که نصاب مناسبی برای خود انتخاب نکرده است. و اگر بایست او را و حکومتش را فراهم کنند محیط ظلم موجود برای ظهور امام دانست که بیاید و آنها و همه جهان را از شر وجودشان پاک کند.

بقیه در صفحه ۳



بقیه : جامعه نمونه (اسوه) . . .

بنابر این جمهوری اسلامی
خمینی نمتنها متکی به مقررات شرعی
نیست بلکه با معیارهای عرفی آن نیز
مطابقت ندارد و میتوان آنرا
حکومت شخص جابر و مستبدی
دانست که در برابر هیچکس جز
خود خمینی مسئول شناخته نمی شود
این چنین حکومتی در طول قرون
واعصار گذشته مورد مخالفت اولیای
مذهب شیعه قرار گرفته که با استفاده
از اصل تقیه در فرصت مناسب بابرار
مخالفت با آن پرداخته اند . بخصوص
اینک که گروهی از بااصطلاح علمای
شیعه صدر حاکمیت اندود رزیر حاکمیت
آنان و با تنفید قوانین اسلامی عواید
و سرمایه های ملی در دست
استثمارگران خلق انبار میگردد
مستکبران و افضیاء با استفادهاز مشروعیت
مالکیت خصوصی به انباشت ثروت
و افزون سرمایه های خویش اقدام اموال
بیت المال را تصاحب میکنند و در نتیجه
با مستضعفانی که علمای شیعه خود
را مدافعان آنها معرفی میکنند در
تضاد و روبرویی قرار گرفته اند .

بقیه : فراخوانی از افکار عمومی . . .

مانع اجرای این نقشه ظالمانه
گردند و اجازه ندهند که هزاران نفر
دیگر بر شماره تبعیدشدگان و آوارگان
کردستان ایران افزوده گردد .
ماکمان نداریم و مردم کردستان
و سراسر ایران و افکار عمومی جهان
رانیز مطمئن میسازیم که این عمل
ضد انسانی رژیم خمینی هم نظیر صدها
عمل ضد خلقی دیگر وی در پنج سال
گذشته قادر نخواهد بود اراد فائقه بیون
را درهم شکند و مبارزان را دمکراسی
برای ایران و خود مختاری بسسرای
کردستان را بزاند و رآورد . رژیم خمینی
از این توطئه ناز نیز نصیبی جز رسوایی
و بدنامی نخواهد برد و پیروزی نهایی از
آن خواست برحق مردم کردستان
و خلقهای ایرانست .
* پیش بسوی خنثی کردن همه
نقشه ها و توطئه های ضد انسانی رژیم
خمینی جبار !
* پیروزی با جنبش ملی - دموکراتیک
مردم کردستان !

حزب دمکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی - ۱۳۶۳/۵/۳۰

يك خواست چند صد ساله

ترجمه از: لوموند دیپلوماتیک ژوئیه ۱۹۸۲

مدتهاست که زمان استناد مکرر بدلائل تاریخی برای اثبات این مسئله که آیا ساکنان "کاتالونی" ملت واحدی هستند، بسر رسیده است و دیگر کمتر کسی رامی توان یافت که مفکران واقعیت باشد. معذالك باید پذیرفت که این "ملت" هنوز هم يك "ملت" غیرطاری است زیرا که: مثلا "قانون اساسی اسپانیا از یکطرف موجودیت آنرا برسمی می شناسد و آنرا تأیید می کند لیکن از طرف دیگر ریگروی را از "کلیه حقوق" مربوطه محروم می دارد. يك "ملت" غیرطاری، که از نظر احساس هویت و وابستگی ملی دارای وحدت است لیکن از لحاظ جغرافیایی "نمود" این وحدت بسته بآنکه از کدام دیدگاه بهمان نگریسته شود فرق میکند: سوابق تاریخی و فرهنگی نشان میدهند که "کاتالونی" يك "سرزمین" بیشتر نیست ولی قانون اساسی اسپانیا بگونه

دیگری نظر میدهد.

از نظر قانون اساسی مسئله روشن است: "کاتالونی" شامل چهار ایالت واقع در انتهای شمال شرقی شبه جزیره اسپانیا یعنی "ناراگون"، "بارسلون"، "لریدا" و "ژرون" می باشد. منطقه شمالی تر که "روسیون" نامیده می شود جزو "کاتالونی" بحساب نمی آید؛ ایالت "والانس" در جنوب نیز وضع مشابهی دارد و در شرق هم مجمع الجزایر "بالنار" هویت مستقل خود را دارد. اینکه ملاکهای تاریخی در کلیت خود (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) و وحدت زبان جملگی نافی مطالب مندرج در قانون اساسی است برای "مادرید" اهمیتی ندارد دولت مرکزی اسپانیا با تأیید کامل دربار مدعی است که در اسپانیا ملیت های چندی وجود دارند (کاتالان، باسک



دیگر بابریدن از دیکتاتوری چهل ساله،
حال راه گذشته پیوند زد و بار دیگر
عشق و علاقه شدید خود را برای بهرمندی
از "حقوق کامل" بیان کشیده است
و اساس مسئله نیز در همین نکته نهفته
است.

انتقال حاکمیت : "کانالانیم" مردمی
با "کانالانیم" سیاسی تفاوت دارد :
مناقشات نظری فرهنگی، حقوقی و اداری
میان دولت مرکزی اسپانیا و حکومت
خود مختار کانالونی، و نیز برخورد ها
و مباحثات میان مجلس ملی اسپانیا
(کورتس) و پارلمان "بارسلون" بطور
روزمره ادامه دارد . بارسلون از اینکه
مادرید بسیار کند در این یا آن زمینه
(آموزش و پرورش، بازرگانی، دادگستری
و...) اختیار لازم را بوی واگذار
می کند، ناراضی است. مادرید تمامی
مقرراتی را که بموجب آنها پارلمان
کانالونی باید اختیارات خود را
در محدوده خود مختاری مورد توافق
بکارگیرد زیر ذره بین می گذارد و در مورد
هر مسئله ای بلافاصله محدودیت های
ظرف و رفتن را تعیین می کند.

لئونی، آندالوز و الانسی مادریدی
(و غیره) که جمعی تحت لای
حکومت مرکزی هستند و همگی بعنوان
رعایای دیار بحساب می آیند ؛ لیکن
حکومت مرکزی بخشی از اختیارات
"طبیعی" خود را به ارگانهای محلی
واگذار نموده است تا آنکه این ملیت ها
بتوانند "در محدوده آنچه قانون اساسی
پیش بینی کرده است مسائل مربوط
به خود را از راه حل و فصل نمایند .
این "محدود ها" کدامند ؟
هم متعدد و نه هم بسیار دقیق بگونه ای
که حتی بر شمردن آنها از حوصله
این مقال خارج است. تنها ذکر این
مطلب کافی است که : بطور کلی
اختیاراتی که مجلس محلی کانالونی
از آن برخوردار است از اختیارات یک
حکومت محلی در آلمان فدرال به مراتب
کمتر است.

کانالونی که در زمان سلطه
فرانکو از حق خود مختاری محروم گردید،
در تمام دوران فرمانروایی او خواست
خود مختاری را یکی از پایه های
اساسی مخالفت خود با وی قرار داده

بقیه: يك خواست چند صد ساله...

رادرمقابل پیشنهادهای قانونی بارسلون
علم می کند.

لیکن کاتالونی هادرمقابل مارید
بگونه ای متحد ومتفق القول عمل نمی کنند:
احزاب سیاسی محلی (مانند حزب
جمهوریخواه، حزب سوسیالیست آزادی ملی،
همبستگی واتحاد) که بنداول برنامه
آنها بر "کاتالون" بودن تاکید دارند
چه از نظر برداشتی که از اختیارات
واقعی موجود دارند و چه از نظر دید
کوتاه مدت و دراز مدت در مورد آینده
کاتالونی و دستیابی به حق حاکمیت
کامل باشاخه های محلی احزاب
سراسری (حزب سوسیالیست، حزب
کمونیست، اتحاد ملی) که مسلماً استقلال
فکری وتصمیم گیری آنها بعمل است
وابستگی شان به مرکز نمی تواند کامل
باشد، اختلاف نظر دارند.

اپوزیسیون "چپ - راست"
اسپانیا، در کاتالونی به اپوزیسیون
"تمرکزگرا - کاتالان گرا" تبدیل شده
است. در نتیجه این وضعیت ویژه هیچ
عجیب نیست اگر کمونیست ها

سوسیالیست های گونزالز و فراگست ها
(گرچه بسیار اندکند) همگی در زیر
عنوان : احزایی که از نظر علمی و
استراتژیکی وابسته به مرکزیت های
غیر کاتالان اند باهم همزیستی داشته
باشند و در مقابل هم حزبی چون
"چپ جمهوریخواه" یا کاتالان گرایسی
آنها شدید و تعصب آمیز گذشته ای
آنچنان پرافتخار و جمهوریخواه سی
آنقدر پزحرا رت از "یوردی پسرول"
رئیس حکومت خود مختار که سابقه
پشتیبانی گامگاه از مرکزیت مارید و در
پرونده خود دارد پشتیبانی میکند.

در درون احزاب کاتالونی
هیجان وجوش وخروش هیچگاه فرو
نمی نشیند. شاخه کاتالونی
احزاب سراسری، ناسیونالیسم احزاب
محلی کاتالونی را با انواع صفات
تحقیر آمیز می آرایند و در مقابل از سوی
آنان به دریافت لقب طنز آمیز
"نمایندگی" مفتخر میشوند. کافی است
در مارید يك وزیر سوسیالیست به خشم
آید و ناسیونالیستهای کاتالونی را
فاشیست بنامد تا بلافاصله



بقیه: يك خواست چند صد ساله

ناسیونالیستهای کاتالونی هم در کوجه‌ها
و هم در خیابانهای بارسلون
تظاهراتی براه اندازند و هر چه فحش
و اتهام است نثار رهبران حاکم
سوسیالیست کاتالونی بکنند و در
مسیر خود پرچم اسپانیا را هم
بموزانند.

هنگامیکه هیجان فرو می‌نشیند،
ویا بهتر است بگوئیم در فاصله دو
هیجان، مردم دعوت میشوند باینکه
مجدداً بحث‌های پایان ناپذیری را
از سر گیرند که البته سیاستمداران و
روشنفکران کاتالان در آن استادند
زیرا که سرناسر تاریخ آنها را همین
بحث‌ها تشکیل میدهد:

يك آلترناتیو روشن - بحث اساسی بر
سر تعریف رابطه "ملت" و "حاکمیت"
است. نتیجه بحث‌ها معمولاً به
بحث بر سر سه نوع حق حاکمیت ملی
ختم می‌گردد: خودمختاری، فدرالیسم،
استقلال.

بطور خلاصه، خواست يك
"دولت کاتالان" یعنی ادعای
استقلال کامل امروزه خواست اقلیت

ناچیزی بیش نیست. در مورد
فدرالیست‌ها هم اشکال اینست که
هنوز نتوانسته‌اند اصطلاحات و
تعبیرات مناسبی بیابند که مقصود واقعی
آنها را مشخص کند. مثلاً "هنوز به
اشکال میتوان فهمید که از نظر آنها
حد و مرز پایان خودمختاری و آغاز
فدرالیسم در کجا است؟

اما خودمختاری طلبان بسیار
متعددند: در بین آنها عده‌ای
بهمن قانون فعلی راضی‌اند؛ عده
دیگری اعتقاد دارند که کاتالونی از نظر
سیاسی هنوز امکانات فراوانی برای
برخورداری از حقوق بیشتری
در چهارچوب قانون خودمختاری موجود
در اختیار دارد. البته کسانی هم هستند
که معتقدند خودمختاری يك مرحله
تاریخی برای عبور به مرحله نهایی
یعنی استقلال است، اما این را فعلاً
نباید اظهار کرد از ترس آنکه مباردا
در "مادرید" و در سرایزخانه‌ها
شنیده شود و ارتش را به خشم آورد!،
قابل تذکر است که لحن بحث‌ها اگر
چه گاهگاه تند و خشن و احساساتی

بقیه: يك خواست چند صد ساله...

است امسا بهر حال هم
نمایندگان منتخب چهار شهر اریها
وجه دربارلمان بارسلون و هم
تشریفاتین هار آنچه میگویند و مینویسند
بسیار وقت می کنند و در انتخاب کلمات
ظرافت کافی بکار میبرند.

واضح است که مساله اساسی در
این بحث ها عبارتست از: محتوای
حقوقی نظریه "ملت و نظری که از امکان
یا عدم امکان موجودیت تاریخی يك
"ملت" کاتالان بدون يك "دولت"
کاتالان میتوان داشت. اما بحث های
سردرگم و تعبیرات حقوقی هر چه
باشند، واقعیت روشن است: یا يك
منطقه از اسپانیا با برخورداری از حقوق
عمومی مردم اسپانیا و در این صورت اصطلاح
"ملت" هیچ مفهوم ملموس نخواهد
داشت و یا يك "دولت" کاتالان....

حکومت اسپانیا تاکنون نقش
خود را در این میان بخوبی بازی کرده
و توانسته است خواستهای کاتالان ها
را تا سطح خواستهای مردم "اوزکاردی"
که چیزی در حد عدم تمرکز و خودگردانی

بیش نیست پائین آورد. نتیجه این
سیاستان شده است که اکنون علاوه بر
"کاتالونی"، مناطق "مار ریپد"،
"آندالوزی" یعنی کاستیل هاهم
خود مختارند. این همان مدد
ایالت های فدرال در آلمان است با
این تفاوت که همچنانکه گفته شد
اختیارات خود مختاری هار عمل کمتر
است.

در همه مناطق خود مختار
قیومیت حکومت مرکزی از راه استقرار
"هیاتهای ایالتی" در هر ایالت بتامی
اعمال میشود. این هیات ها مقامات
اداری و قضایی هستند که از طریق غیر
از انتخابات عمومی منصوب گشته اند
و گزارش های خود را مستقیماً به پارلمان
می فرستند. این هیات ها در دوره فرانکو
بسیار معزز و معتبر شدند. پس از
فرانکو، در حکومت میانرو "سوارز"
همچنان باقی ماندند و بعد از آن
سوسیالیست های "گونزالز" بلافاصله پس
از رسیدن به قدرت از طریق يك مبارزه
انتخاباتی شدند که یکی از دشمنان آن
وعدده "محل کردن این هیات ها در



قیه: يك خواست چند صد ساله...

مناطقى بود كه بنيانهاى خود مختارى در آنها پياده شده است آنها را به انحصار خویش در آورده اند.

علاوه بر این هیاتها، باید از وظایف متعدد " نمایندگان حکومت مرکزی" هم یاد کرد که شماره قابل توجهی از آنها در مرکزیت هر منطقه خود مختار وجود دارند و بدیهی است که حکومت خود مختار کاتالونی هم از آن سهم بزرگی نصیب شده است.

با این توضیحات، اکنون شاید بتوان با سهولت بیشتری دلیل آن شدت و خشونتى را درك کرد که بر اساس پیچیدگی اصول حقوقى مربوط به سیاستمداران حرفه‌ای، افراد بانفوذ و رون قدرت و رهبران اپوزیسیون در جریان است. در کاتالونی شدت مباحثات اغلب منجر به خشونت میگردد و علت این امر را وقتی بهتر میتوان درك کرد که بدر عامل اساسی یکی تاریخی و دیگری حقوقی توجه نمائیم:

نخست، تاریخی: از دسیسون " حرفی نمیزنیم که موقعیت حقوقی آنها

دیگر سرزمینهای کاتالان قابل مقایسه نیست اما البته هیچگاه از ادعای کاتالان بودن دست برنداشته است و تنها به "والانس" و مجمع الجزایر "بالثار" اشاره میکنیم: قانون اساسی اسپانیا با صراحت قید کرده است که هیچکدام از بخشهای خود مختار بهیچوجه حق ندارند يك قرارداد ویژه و یا يك پیمان خصوصی در هیچ موردی با هیچکدام از بخشهای خود مختار دیگر ببندند. هدف از این ممنوعیت در واقع غیر از مجموعه "والانس بالثسار" و کاتالونی (و البته آن بخش از "ناوار" که به "اوزگادی" ضمیمه شده است)

هیچ جای دیگری نیست. بین بارسلون و والانس، والانس و مایورکا، مایورکا و بارسلون نامه‌های رسمی باید از طریق مادرید رد بدل شوند و راجعاً توسط يك مرجع قضایی حافظ قانون اساسی مورد کنترل قرار گیرند. جمهوری اسپانیا در ۱۹۳۲، اجازه داده بود که بین سه بخش دارای فرهنگ کاتالان روابط ویژه‌ای برقرار باشد. اما حکومت

بقیه: يك خواست چند صد ساله

فعلی اسپانیا تعالی به این امر ندارد و کار را بجای رسانده است که حسیك زبان ویژه والانس و يك زبان ویژه مایورکارا نیز کشف کرده است. یعنی چیزی را که هیچ نویسنده ای نه در گذشته و نه در حال، نه در بالثار و نه در والانس هیچگاه مطرح نکرده است حکومت مرکزی کشف میکند و سپس پیشنهاد و یا بهتر است گفته شود: تحمیل می نماید.

در برابر ناسیونالیست های والانس و مایورکارا که با چپ کاتالونی در يك صف قرار دارند، بازماندگان فرانکیسم در این سرزمین که امروزه خود را در پوشش "میانروی" یعنی در واقع در جناح راست حزب سوسیالیست مخفی کرده اند، شعار "فدرالیسم" را طم نموده اند؛ همان کسانی که تا دیروز با فریادهای گوشخراش: حتی يك اسپانیای سرخ بهتر از يك اسپانیای تجزیه شده است جنگ بیرحمانه ای علیه زبان و فرهنگ کاتالان برپا داشته بودند.

هدف اساسی "کاستیل" —

اسپانیای متمرکزگرا اینست که علیرغم اعطای لقب "ملت" در عمل واقعیت کاتالان را تا آنجایی که ممکن است انکار کند. مانورهای که علیرغم واقعیت ها آشکار می خواهند وحدت زبان کاتالان را انکار کنند نشاندهنده این مساله است. مانعیت از ایجاد تفاهم و روابط ویژه در درون جامعه عمومی کاتالون اعلام رسمی این هدف است و پشتیبانی فرانکیست ها و فراکیست ها از آن، تأیید و امضای آن است.

پس از تاریخ، نوبت به عامل حقوقی میرسد: حکومت مرکزی برای ایجاد هماهنگی و یکپارختی در بین بخشهای خود مختار يك طرح قانونی ریخته است: بر طبق این قانون، يك بخش خود مختار نمیتواند دارای حقوقی باشد که بخش خود مختار دیگری خواستار آن نیست. بطور مثال ممکن است بخش خود مختار "مادرید" در مورد آموزش و پرورش کاربرد زبان "کاستیلان" در بخش خود دارای همان



بقیه: يك خواست...

نظرات کانالان ها و یا سکها برای حفظ زبان نشان
نباشد. در این صورت حکومت مرکزی فوراً
در حالت میگرد و بنام "هما عنگی در بخشهای
خود مختار" بارسلون بیلای تو (مرکز اسک)
را به اطاعت از نظر مادی و پیاواری می نماید.
این قانون بدیهی است که کاملاً مطابق میل
کاستیل (مادرید) و "لئون" است. "اوزگاری"
کمی ناراضی است و آنرا اعلام هم میکند و تنه ها
"کانالونی" است که از آن متضرر میشود. اما
کانالونی هم اعتراض خود را از طریق عملیات
انفجاری یا مثلاً "گروگان گیری نشان نمیدهد و از
این رو چند ان جلب توجه رسانه های همگانی را
نمیکند.

بیمندند که هیچکس را در محرم چون به هم نشستن
نیز برق و برق ارتش: شمار هائی بزیان کاستیلان
(برای آنکه بتوانند بفهمند) مینویسند که:
" ارتش اشغالگر! بیرون بروید "

دوم - سوسیالیستهای "گونزالز" و "روانتوس"

اگر چه در حال حاضر در مجلس ملی مادرید
(کورتس) و در شهر اریبای کانالونیسی در
در اقلیت قرار دارند. ...

بقیه: لاف و گراف رژیم و...

بگذارد، تجربه کسب کند، برنامه های منطبق با
ایط زمانی و مکانی و آرزوها و امیال تورهای
م تنظیم نماید و سرانجام تورها را از حقوق
آگاه گرداند، آنها را راهنمایی کند و بدور
ش گرد آورد. با این ترتیب چگونه میتوان
ن که حزب دموکرات رهبری جنبش را از روی حق
ست نگرفته است؟ یا نظیر بعضی از سازمانهای
در کم، به منظور اشاعه بدبینی و ناامیدی و
سیاهی علی و بی هدفی خود را عاگرد که جنبش
ستان ایران بدین صورت سازمانده
ست و هیچکدام از نیروهای موجود در میدان
ارزوه کردستان نمیتوانند آنرا رهبری کنند!

کما اینکه این حقیقت را اشتباهاتیم که از خود
کنیم خلاق کرد رهبری استینی در ارد که حزب
دمکرات کردستان ایران است، حزبی که با ۳۹
مال مبارزه و قربانی در آن توانست است چرخ
مبارزه مردم کردستان را بگردش و آورد و کاروان
مبارزه و تلاش را راهنما گرد و آیند هم نشان

خواهد داد که اینگونه قضاوتها یا از نا آگاهی
ست و باب روشنت حالت از چهره سادات و

باز تکثیر از حزب دموکرات کردستان ایران تشکیلات اروپا



بقیه: نگاهی بموضع اقتصادی کشور.

که درم از خود کفایی می زنند بیشتر نمایان میگردد. بامراجعه به ارقام بودجه سال ۱۳۶۳ و یاد در نظر گرفتن روند کنونی صادرات پیش بینی میشود که در سال ۱۳۶۳ سهم صادرات غیر نفتی در کل صادرات به کمتر از یک درصد کاهش یابد یعنی اینکه بیش از ۹۹ درصد صادرات کشور را نفت تشکیل میدهد و اقتصاد جمهوری اسلامی خیلی بیش از اقتصاد رژیم شاهنشاهی وابستگی پیدا کرده است. یک توقف چند ماهه صدور نفت، کافی است که رژیم خمینی را بزانودر آورد و ناگزیرش سازد تا از ادامه جنگ منصرف شود و به صلح تن در دهد. سردمداران جمهوری اسلامی کشور ما را به ویرانه های تبدیل ساخته و اقتصاد آنها به ورشکستگی

کامل سوق داده اند. حاکمیت آخوندی نه برای حل مشکلات اقتصادی برنامه ای دارد و نه اصولاً با داشتن ماهیت ارتجاعی قادر به تدوین چنین برنامه ایست. رکود اقتصادی، بیکاری، تورم، گرانی، بیلان فلاکت بار بازرگانی خارجی هم موجود است جمهوری اسلامی را تهدید میکند. ادامه جنگ تضادهای اقتصادی و اجتماعی را بیش از پیش تشدید می نماید. نزدیکی نیست که ادامه سیاست جنگ طلبانه نه تنها برای آخوندها پیروزی به بار نخواهد آورد بلکه سرنگونی حاکمیت آنها را تسریع خواهد نمود. ادامه جنگ یعنی سقوط، متوقف ساختن جنگ یعنی آماره کردن شرایط سقوط. این است پرتگاهی که جمهوری اسلامی در برابر آن قرار گرفته است.

رادیو صدای کردستان ایران

همه روز:

امواج کوتاه ردیفهای ۳۱، ۴۱، ۷۲ متر

برنامه اصلی: ساعت ۱۲/۳۰ تا ۲ بعد از ظهر

عین این برنامه: ساعت ۵ تا ۶/۳۰ بعد از ظهر

برنامه کردی: روز بعد ساعت ۷ تا ۸ صبح

